

محمد حسین طغیانی
گناه
تأثیرات آن بر جسم و جان

بسم الله الرحمن الرحیم

گناه و تاثیر آن بر جسم و جان

نویسنده:

محمد حسین طغیانی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گناه و تاثير آن بر جسم و جان

مشخصات كتاب

سرشناسه : طغیانی، محمدحسین، ۱۳۶۳ -

عنوان و نام پدیدآور : گناه و تاثیر آن بر جسم و جان/ [محمدحسین] طغیانی.

مشخصات نشر : قم: عطر عترت، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.

شابک : ۱۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۸۸-۳۹-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : چاپ دوم.

موضوع : گناه (اسلام)

رده بندی کنگره : BP۲۲۵/۶/ط۷گ۹ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۸۲۸۹۰

مقدمه

حمـد و سپاس فزون از هر مقیـاس، آفریـدگاری را سزا اسـت کـه در غریزه و نهـاد بشـریت تمایلاـت عـالی ودیعت نهـاده و حس کنجکـاوی و حقیقت جویی و دانش پژوهی به او عطاء فرموده که پیوسته پویـای کشف اسـرار طبیعت و جویای رسـیدن به مـدارج حقیقت و در صدد حل معمای خلقت و غوص دریای معنویات در جهان فطرت است چرا که در این عصر پرده از اسرار عالم خلقت برداشـته شـده و سیلاب مـادی گری و مکاتیب پوچ از باختر به خاور زمین سـرازیر و چشم جوانان دانش جو و فرهنگیان روشـنفکر متوجه مادیـات شـده و حقـایق را از دریچه مادیات و جهان ماوراء الطبیعه (متافیزیک) را از آغازه های طبیعت می خواهنـد مشاهـده نمایند به همین خاطر لازم دانستیم ثابت نماییم که شـریعت مقدس اسلام عین علم و دانش است و هر پرده‌ای که از خبایا و خفایای فطرت عقب رفت حقیقت تازه ای از اسلام و متانت احکام آن کشف می شود.

چنان چه فیلسوف بزرگ اروپا و امریکا این حقیقت را اعتراف نموده است.

دکتر گوسـتاولوبون فرانسوی در صـفحه ۶۳۵ کتـاب «تمـدن عرب و اسـلام» آورده است؛ احکـامی که در قرآن به آنهـا اشاره شـده است؛ مانند وضو، غسل، تحریم مسـکرات، و ترجیح غذای نباتی بر حیوانی در مناطق گرمسـیری بسیار حکیمانه و برای سلامتی بدن مفید می‌باشد.

از این رو برای اثبات این مدعا که تمام دسـتورات اسلام طبق حکمت است و برای انسان مفید می باشد. این کتاب را به رشته تحریر در آورده‌ایم که به بیـان پاره‌هـای از واجبـات، محرمـات و فلسـفه آن‌ها پرداخته شـده است که امیـدوارم مورد قبول درگاه الهی واقع گردد و خوانندگان عزیز با نظراتشان بنده را مستفیض نمایند.

عبدالزهرا سلام الله علیها

محمد حسین طغیانی

۲۰ رجب المرجب ۱۴۳۰ ه.ق

ترک نماز و ابتلا به امراض روحی روانی

یکی از واجبات دین مقدس اسلام نماز می باشد. نماز عامل محافظت انسان از ابتلاء به گناه و معصیت در برابر خداوند متعال است و بهترین وسیله تقرب و رسیدن به آرامش برای انسان می باشد. طبق آیات و روایات بر هر مسلمانی واجب است که در شبانهروز پنج نوبت نماز بخواند و برای ترک کننده این عمل سختی های جسمی و روحی و عذاب های آخرتی وجود دارد که بدان ها اشاره می کنیم. خداوند متعال می فرماید: «نماز بگزار، همانا نماز آدمی را از فحشاء و منکر باز می دارد و یاد خدا بزرگتر است و خدا بر آنچه می سازید آگاهست»(۱) هم چنین می فرماید: «ای اهل ایمان از صبر و نماز یاری جوئید که خداوند با شکیبایانست» هم چنین در جای دیگر می‌فرماید «بهشتیان از جهنمیان می پرسند، چه چیز شما رابه دوزخ کشانید؟ در پاسخ گویند، ما از نمازگزاران نبودیم»(۲) و هم چنین می‌فرماید «آنها که کتاب خدا را تلاوت کرده و نماز برپای میدارند و از آن چه خدا روزیشان فرموده پنهان و آشکار به فقیران انفاق می کنند امید به تجارتی دارند که هرگز زیان نخواهد داشت»(۳)

قابل توجه است که این دستور اسلام در ادیان گذشته هم وجود داشته چرا که خداوند متعال می فرماید: «(به یاد)آور هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر، خویشان، یتیمان و بینوایان نیکی کنید و بهزبان خوش با مردم سخن گویید، نماز بر پا داشته و زکات بپردازید، پس تمامی شما به جز عده کمی رویگردان شدید»(۴)

و ترک نماز مانع از قبولی اعمال انسان می شود چنان چه پروردگار متعال می فرماید: «هیچ چیز مانع قبولی انفاق های آنها نشد مگر آن که به خدا و پیامبرش کافر شدند و جز با بی میلی در نماز حاضر نشوند و جز با کراهت انفاق نکنند»(۵)

هنگامی که بی رغبتی به نماز خواندن مانع از قبولی اعمال میشود، ترک کردن نماز چه تأثیری بر ما وکردارمان خواهد داشت. بعضی ها فکر می کنند؛ ترک نماز هیچ تأثیری در زندگی شان ندارد ولی این افراد غافلند از این که امام صادق علیه السلام فرمودند: «شخصی بر رسول خدا از تنگی روزیش شکوه کرد. حضرت فرمود: مگر نماز نمی خوانی؟ عرض کرد: یا رسول الله من در پنج وقت، نماز با شما می خوانم. حضرت فرمودند: شاید روزه نمی گیری؟ عرض کرد؛ نه یا رسول الله. حضرت فرمود: آیا به گناهی مبتلا هستی؟ جواب داد حاشا که خلاف فرموده خدا و پیامبرش رفتار کرده باشم. ناگاه جبرئیل امین از طرف رب العالمین نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله، حقتعالی ترا سلام می رساند و می فرماید: علت تنگدستی این مرد آنست که در همسایگی اش باغی وجود دارد و در آن گنجشکی روی شاخه درختی لانه کرده و در آن آشیان استخوان تارک الصلاتی می باشد. به خاطر شومی آن استخوان زندگی این مرد را فقر و گرفتاری فرا گرفته است»(۶)

پس معلوم می شود وقتی استخوان یک بی نماز سبب فقر و گرفتاری می شود اگر انسان شخصاً از نماز دور شود، به طور حتم دچار فقر و بدبختی می گردد.

ترک کردن خواندن نماز؛ سبب خواری و تزلزل شخصیت فرد می‌شود چرا که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سگ (در پارس کردنش) می گوید سپاس خدایی را که مرا سگ آفرید و خوک نگردانید، خوک میگوید سپاس خدایی را که مرا

خوک گردانیـد و کافر نیافریـد و کافر میگوید: الحمدالله که مرا منافق نیافرید و منافق می گوید: خدا را شکر که مرا تارک الصلاه نیافرید»(۷)

اینها بخش کوچکی از آیات و روایات مربوط به نماز بود که بـدان اشاره کردیم اما اینک به دیدگاه دانشـمندان درباره نماز، دعا و نیایش با خالق یکتا توجه کنید.

الکسیس کارل می گویـد؛ نیایش گاهی تأثیرات شـگفت آوری دارد، بیمارانی بودهاند که تقریباً به طور آنی از دردهایی هم چون خدره، سرطان، عفونت کلیه و زخم های مزمن و سل ریوی شفا یافته اند.(۸)

بسیار واضح است که نماز نوعی نیایش به درگاه خداوند می باشد که توسط آن دردهای خود را تسکین می دهیم.

و هـم چنیـن در نمـاز فوایـد مهـم روحی وجـود دارد، یکی از فوائـد آن تلقیـن بـه نفس اسـت کـه امروز اهمیت آن در علم روانشناسـی(پسیکولوژی) به ثبوت رسیده است که به واسطه تأثیر تلقین به نفس، بیماری بهبود میابـد. فرد سالم مریض می گردد، شخص بـد اخلاق، خوش اخلاق می شود، خوش اخلاق بـد اخلاق می شود، بـد عمل خوش عمل می شود، درسـتکار، بزهکار می گردد، بی دین، دیندار می شود و دیندار بی دین.

هنگـامی که فرد به خود تلقین کنـد که؛ تو آدم خوبی هسـتی، راسـتگو هسـتی، خیـانت نمی کنی. وقـتی مکرر بـا خود از این مقوله حدیث نفس کند و به نفس خودش القا نماید، قطعاً همین صـفات حسنه و اخلاق ممدوحه در وجود او ریشه می دواند و در اعمال، رفتار و اخلاق او تأثیر می گذارد. شخص نماز گزار به طور مداوم در هر شبانه روز چندین مرتبه در نماز خود را از جملهی صالحان و با آنان هم ردیف می کند و خود را فروتن و خاکسار

می سازد، از این رو به طور طبیعی در او اثر می گـذارد و در ردیف بنـدگان صالح در می آید. یکی دیگر از فایدههای روانی نماز، لـذت بردن نمـاز گزار است چرا که در نمـاز بـا محبوب خود مواجه و به قرب وصـال نائـل می گردد و چنان غرق لـذت روحی می گردد که دیگر لذایـذ مـادی و نشاط جسـمی برای او رنگ و بویی نـدارد.(۹) بر همگـان بـدیهی است افرادی که نمـاز را ترک می کنند هیچ ترس و واهمهای در مقابل گناهانشان ندارند و راحت از مسیر خارج می شوند و به دزدی، غارت و تجاوز دست می زنند. نکته دیگر؛ افرادی که نماز نمی‌خوانند از لذت مناجات با خداوند متعال دور می شوند و ناچار بر لذتهای نامشروع و خطرناک روی می آورنـد، همچنین در سختی ها فرد به یک منبع آرام بخشـی نیاز دارد که او را آرام کنـد ولی افرادی که نماز را ترک کرده اند، برای آرام کردن خود به جای نمازی که آرام بخش مؤمنین است، به مواد مخـدر و رابطه با دوستان بی دین رو می‌آورند و آنها نیز به جای کمک کردن، او را در چاه بی دینی می‌اندازند.

روزه خواری و دور بودن از سلامتی

یکی از واجبات در دین مقدس اسلام روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان

می باشـد که این عبادت دارای فوائـد بسیار روحی، جسـمی، اقتصادی، اجتماعی و ... می باشـد که به آن اشاره می کنیم اما قبل از بیان فواید روزه گرفتن به آیات و روایات مربوط به آن اشاره می شود.

خداوند متعال می فرماید: «ای اهل ایمان بر شما نیز مانند گذشتگان روزه واجب گردید تا شاید پرهیزگار گردید»(۱۰)

و هم چنین پروردگـار متعال می فرمایـد: «توبه کننـدگان عابـد، شکرگزاران روزه دار، رکوع کننـدگان و سـجده کننـدگان، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و نگهبانان حدود الهی و مؤمنان را بشارت ده»(۱۱)

درباره روزه گرفتن از رسول اکرم صـلی الله علیه وآله وسـلم احادیث زیادی آورده شـده است؛ حضـرت فرمودنـد: «روزه بگیریـد تا تندرست شوید»(۱۲) و هم چنین فرمودند: «روزه سپری است مادامی که آن را به دروغ یا غیبت ندرد»(۱۳) و یا در جایی پیامبر اکرم

صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:«روزه سپر عذاب خداست»(۱۴) و هم چنین باز ایشان می فرمایند: «هر کس قدرت ازدواج ندارد، روزه بگیرد که برای او قطع شهوت است»(۱۵)

پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «پروردگارا! میراث روزه چیست؟

خداونـد فرمود: روزه حکمت به ارث میگـذارد وحکمت معرفت و معرفت یقین، چون بنـده به یقین رسد دیگر برایش اهمیتی ندارد که چگونه شب و روز خود را بگذراند؛ به سختی یا به آسانی» (۱۶)

در دیگر کتابهای آسمان چون تورات و انجیل نیز به روزه گرفتن اشاره شده است.

«قوم یهود در موقعی که فرصت یافته می خواستند اظهار خضوع نمایند، روزه میداشتند تا بوسیله آن رضای حضرت حق را تحصیل نمایند»(۱۷) در انجیل لوقا آمده است «حضرت مسیح به شاگردان دستور داد که پس از فوت او روزه بگیرند»

اما فوائد روزه از نظر دانشمندان و پزشکان

دکتر عبدالعزیز در این رابطه می گوید: این قدر مسلم است که روزه در حالات زیادی مفید است و در مواردی تنها راه علاج درمان می باشد و در مواقع دیگر می بینیم که اگر طریق منحصر هم نباشد، بهترین راه علاج است.

روزه برای معالجه در موارد زیر استفاده می شود:

۱- اضطراب مزمن امعاء، هنگامی که مقرون با تخمیر مواد زلالیه و مواد نشاسته ای باشد.

۲- فشار خون بالا، این مرض درا ثر عیاشی و انفعالات نفسانی رو به ازدیاد می رود. در چنین هنگامی روزه نقش درمانی ایفا می کند. مخصوصاً اگر وزن شخص بیشتر از وزن طبیعی باشد.

۳- مرض قند، آن هم مانند فشار خون رو به بالا می رود. در اوایل بروز و قبل از ظهورش غالباً توأم با سنگینی بدن است دراین صورت روزه علاج نافعی می باشد. زیرا مرض قند با تثبیت وزن تخفیف می‌یابد. در مواقعی که مرض قند به طور خفیفی وجود داشته باشد پنج ساعت پس از خوردن غذا، قند در خون به کمتر از میزان طبیعی‌پایین می آید و پس از ده ساعت به کمترین حد طبیعی می‌رسد. حتی بعد از پیدایش آمپول انسولین، مهمترین روش درمان، روزه گرفتن است.

۴- در مورد بیماریهای قلب که توأم با تورم باشد.

۵- التهاب مزمن مفاصل، بخصوص وقتی که همراه با بیماریهای‌چاقی باشد. به طوری که غالب خانمها پس از سن چهل سالگی به آن مبتلا می شوند. در این باره مکرر دیده شده است که در ماه رمضان عوارض این بیماری به درجات خفیف تر از (مواقعی که برق و خون گرفتن و تمام وسائل طب جدید بکار برده می شود) می‌باشد.(۱۸)

دکتر فرتس بکر می گوید: روزه گرفتن نه گرسنگی کشیدن است نه یک روش درمانگر؛ بلکه روزه گرفتن یک نوع استراحت است که به بدن ما این امکان را می دهد تا خود را برای ترمیم و نظافت درونی و بیرون ریختن مواد مزاحم بسیج نماید و دوباره خود را پاکسازی و بازسازی کند. راز و رمز تأثیر معجزه آسای این امر درون ارگانیسم زنده بدن ما نهفته است. در درون هر شخصی یک نیروی درمان کننده خدادادی وجود دارد.(۱۹)

هم چنین دکتر کارل می گوید: لزوم روزه داری در تمام ادیان تأکید شده است. روزه ابتدا گرسنگی و گاهی نوعی تحریک عصبی و بعد ضعف احساس می شود ولی در عین حال کیفیات پوشیده ای که اهمیت زیادی دارند را به فعالیت وامیدارد. قند کبد در خون میریزد و چربیهایی که در زیر پوست ذخیره شده اند و پروتیین های عضلات و غدد و سلول های کبد آزاد می شوند و به مصرف تغذیه بافت ها می‌رسد و بالاخره تمام اعضاء مواد خاص خود را برای نگهداری‌تعادل محیط داخلی و قلب قربانی می کند وبه این ترتیب روزه تمام بافت های بدنی را می شوید و آنها را تغییر میدهد.(۲۰)

دکتر ژان فروموزان روش معالجه روزه را شستشوی احشاء تعبیرمیکند که در آغاز روزهداری زبان باردار است. تعریق بدن زیاد میگردد، دهان بو

می دهد، گاهی آب از بینی راه می افتد و تمامی اینها علامت شروع شستشوی کامل بدن است. پس از چهار روز بو بر طرف می شود، اسید اوریک ادرار کاهش می یابد و به شخص احساس سبکی و خوشی خارق العاده دست میدهد که در این حال اعضاء هم استراحتی دارند.(۲۱)

در آخر باید گفت روزه باعث زخم معده نمی شود بلکه باعث استراحت معده و در حالت روزه داری و استراحت، اسید معده به جای غذا بوسیله صفرا خنثی میگردد و زخم ایجاد نمیشود.(۲۲) آیا ترک واجبی مانند روزه که گناهی بسیار بزرگ است اثر سوء بر جسم و جان ما ندارد؟ آیا ابتلا به بیماریهای مختلف دلیلی غیر از گناه و معصیت الهی دارد؟ آیا شما هم چنین نظری دارید؟

بی حجابی سبب ناامنی خواهران

بی حجابی یعنی ظاهر کردن قسمت هایی از بدن که پوشاندن آن واجب و نمایش آن به نامحرمان حرام است، طبق دستور قرآن و روایات و نظر عقلا و دانشمندان بی حجابی امر حرام و قبیحی است.

خداوند متعال می فرماید: «ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو خویشتن را در چادر فرو پوشند»(۲۳)

هم چنین می فرماید: «زنان راباکی نیست که نزد پدران، فرزندان و برادران و برادرزادگان و خواهر زادگان و زنان مسلمان وکنیزان ملکی‌خود بی حجاب در آیند.»(۲۴)

در این دو آیه خداوند باری تعالی صراحتاً بیان می کند که زنان باید خود را بوسیله چادر بپوشانند الا برای افراد خاصی مثل برادزادگان و ... که محارم شان محسوب میشود.

خداوندی که خالق آدمی است به نیازهای مخلوقاتش بیشتر آگاه است و هر آن چه دستور می دهد طبق مصلحت است و بر انسانهاست که اطاعت کنند و راه عصیان و مخالفت را نپیمایند.

در تفسیر آیه اول باید گفت، اهل لغت گفته اند جلباب جامه وسیعی‌است کوچکتر از عبا (چادر زنان عرب) و بزرگتر از خمار و مقنعه ای است که زنهای عرب بر سر می اندازند و به گونهای میباشد که اطراف سینههایشان را میپوشاند. از ابن عباس در معنای «من جلا بیبهن» روایت شده که جلباب عبایی است که از سر تا پا را می گیرد. بعضی گفته اند جلباب به معنی ملحفه یعنی لفافهای است که تمام بدن را فرا میگیرد.(۲۵)

در مذمت بد حجابی و خود آرایی خداوند سبحان می فرماید: «در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید. مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خود نمایی نکنید و نماز را به پا دارید و زکات مال به فقیران بدهید و از امرخدا و رسول اطاعت کنید»(۲۶)

غیر از آیاتی که در باب حجاب و اهمیت آن ذکر شد، روایات فراوانی‌در باب مذمت بی حجابی وجود دارد که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «در آخر الزمان از میان امت من،زنانی خواهند آمد که پوشش دارند اما برهنه اند و بر

سرهایشان برآمدگی مانند کوهان شتر خراسانی وجود دارد، ...پس آنان را لعنت کنید که ملعونند»(۲۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند دلبندش امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «زنان را در پرده حجاب و پوشش نگاهشان دارد تا نامحرمان را ننگرند زیرا سخت گیری در حجاب، سلامت و پاکدامنی آنان را استوارتر می‌سازد. آوردن افراد غیر صالح در میان زنان و داخل زندگی ، خطرناک تر است از بیرون رفتن آنها از منزل (از تماس زن ها با افراد غیر موثق) جلوگیری کن و اگر می توانی کاری کن که زنان غیر تو را نشناسند. کاری که برتر از توانائی زن می باشد و به او مربوط نیست به او وامگذار، زیرا زن چون گل خوشبوست نه قهرمان و کارفرما»(۲۸)

و در جایی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم میفرمایند: «نابودی زنان امت من در دو چیز است:

۱- استفاده از زیورآلات طلا (و نمایش به نامحرمان).

۲- پوشیدن لباس نازک و بدن نما.(۲۹)

اینها بخشی از احادیث مربوطه به بد حجابی بود که بیان شد. اما جالب است بدانید که پوشش مخصوص مسلمانان نیست بلکه حتی‌ادیان گذشته مأمور به رعایت حجاب بودند چنان که ویل دورانت مینویسد: اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت چنان که مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشتند به میان مردم می رفت و یا در انظار عموم نخ می رشت، یا با هر سنخی از مردان درد دل می کرد و یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایه ها می توانستند سخنانش را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.(۳۰)

هم چنین نویسنده اروپایی «کنت گو بینو» می گوید: حجاب شدید دوره ساسانی، حتی با آمدن اسلام در میان ایرانیان باقی ماند.(۳۱)

اما در باب فواید جسمی داشتن پوشش باید گفت، آیا نفعی بزرگتر از امنیت وجود دارد؟ امنیتی که خبرنگار نیویورک تایمز طی مقاله ای با عنوان «زنان در آغوش اسلام امنیتی تازه می یابند» با اشاره به گرایش روز افزون زنان مسلمان به حجاب مینویسد. چه چیزی این بازگشت را میسر ساخته است؟ بازگشتی که به معنای واقعی در آزادیهای‌شخصی و سیاسی صورت گرفته است؟

این در حالتی است که طبق آماری تکان دهنده هر بیست دقیقه یک بار، یک زن در سوئد کتک می خورد و مجروح می شود، در هر سه ساعت یک بار به یک زن تجاوز می شود.

اما با وجود این آمارها، بعضی ها خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم به صورت عادی در می آید و دیگر افراد تحریک نمی شوند!

در جواب این افراد باید گفت بنا به نوشته plaintruth تجاوز به عنف (اجبار) از هر ۳۴ دقیقه یک مورد به ۱۴ دقیقه رسید. طبق نوشته مجله آمریکایی نیوزویک هر سال ده هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفادههای دیگر مانند کودک آزادی و ... قرار می‌گیرد. آمار گیری در انگلستان نشان داده است؛ ۴۱ درصد زنان ۱۶ تا ۳۰ سال از این احتمال که روزی مورد تجاوز قرار گیرند همیشه نگران هستند و بیش از ۱۱ درصد از زنان انگلیس بر این باورند که به هر حال روزی مورد تجاوز قرار خواهند گرفت. ۴ درصد زنان از آژیرهای هشدار دهنده تجاوز جنسی استفاده می کنند و ۷ درصد از خانمها در کلاس های دفاع شخصی شرکت میکنند.(۳۲)

آیا برهنگی غرب کمکی به امنیت زنها کرده است؟ آیا برهنگی سبب بی توجهی مردان هوسران شده است؟؟؟ آن چه مسلم است تنها حجاب سبب امنیت زنان و بی توجهی مردان به زنان می شود نه چیز دیگر، در این رابطه چه دیدگاهی دارید؟

در پایان بشنوید حکایت جوانی را که بواسطه بی حجابی و بد پوششی همکلاسی هایش در دانشگاه مرتکب قتل شد!!

جوان متهم به قتل را دستگیر کردند. از او پرسیدند؛ چرا چنین عمل شنیعی را انجام دادی؟ گفت: با هزار زحمت دیپلم گرفتم و

وارد دانشگاه شدم در انجا چشمم به دختران بد حجاب زیادی افتاد که با آرایشهای تند و زننده در محوطه و کلاس دانشگاه قدم می زدند، با هم می خندیدند و اصلاً رعایت هیچ چیزی را نمی کردند. من هم جوانی‌مجرد، کم کم با بعضی از آنها طرح دوستی ریختم و با نقشه قبلی یکی ازآنان را فریب دادم و با او دوست شدم چون که می‌خواهم با شما ازدواج کنم یک روز او اظهار داشت که حامله هستم باید با من ازدواج کنی من که وضعم مناسب نبود به او قول امروز و فردا می دادم تا این که یک روز کارمان به مشاجره و آبروریزی کشید، گلاویز شدیم و وقتی به خودم آمدم متوجه شدم او را خفه کرده ام و او مرده است.(۳۳)
این جنایت یکی از ثمرات بد حجابی است هر چند این درخت ثمرهای فراوانی چون، خیانت، طلاق، بی میلی زن و شوهر، وسیله رسیدن به خواهش هوس بازان و ... و صدها ثمره دیگری که برای همگان واضح است.

سخنی با خواهران مسلمان

هیچ وقت دیده نشده است که طلا فروشان، طلاهای خود را در ظرفی‌قرار دهند و آن را روی سر بگذارند و در میان بازار و خیابان حرکت کنند، بلکه طلاها را در گاوصندوقی بزرگ پنهان می کنند زیرا می دانند این جنس ارزشمند دزد زیاد دارد لذا در نگهداری آن تلاش می کنند. عفت، زیبایی و حیای زن نیز مانند طلایی می ماند که دزد زیاد دارد به همین خاطر عاقل، فردی است که آن را از دسترس دزدان دور نگه میدارد و آن را در گاو صندوق قرار میدهد، باید دانست که گاو صندوق گوهر زن؛ حجاب است، حجاب یعنی پوشاندن تمام بدن بوسیله چادر، اگر درب گاو صندوق شما ذرهای باز باشد دزد می‌تواند به راحتی دسبرد بزند و اگر کاملاً هم باز باشد به راحتی‌دست به سرقت می زند یعنی اگر شما قدری از زینتها را واضح و آشکار کنید و یا تمام آنها را، در هر دو صورت راه را برای هوسبازان باز گذاشته اید، پس با داشتن پوشش کامل خود را از دست نگاههای‌مردان هوس باز حفظ کنید.

خوردن گوشت خوک سبب ابتلا به تریکیوز

در شریعت مطهره اسلام خوک از حیوانات نجس به شمار می آید. خرید و فروش آن حرام و خوردن گوشت و شیر آن هم حرام است. برای تحریم این حیوان دلایلی بسیار وجود دارد که به آنها از طریق قرآن و روایات و نظر دانشمندان اشاره میکنیم.
خداوند متعال می فرماید: «خداوند محققاً مردار و خون و گوشت خوک و آن چه بدون نام خدا کشته شود را بر شما حرام نموده»(۳۴)

در علت تحریم خوردن گوشت خوک، امام رضا علیه السلام می فرماید: «خداوند خوردن خوک را حرام فرموده چون حیوانیست مهیب و زشت صورت که خدا او را برای پند و عبرت گرفتن انسانها آفریده (یعنی از دیدنش بفهمند که خدا بر هر چیزی تواناست و خدای را بر زیبایی صورت بشری خود شکر کنند) بترسند از شهوت رانی و بی‌بند و باری که موجب این می شود که خدای متعال سیمای زیبای آدمی‌را از او گرفته و به صورت خوکشان کند و مسخ شوند. جهت دیگر حرمت خوک آنست که خوراکش

پلیدترین پلیدها و کثیف ترین کثافتها است»(۳۵)

هم چنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند عده ای را به صورت های گوناگون مسخ کرد شبیه خوک، بوزینه، خرس و هر چه از مسوخات دیگر است؛ آنگاه از خوردن این نمونه ها نهی فرمود تا از این گونه حیوانات بهره مند نگردند و با عقوبت آن خوار نگردند»(۳۶)

اینها قسمتی ازآیات و روایات مربوط به خوردن خوک بود که به آنها اشاره شد اما قبل از بیان مضرات علمی این حیوان باید اشاره نمود که خوک و سگ دو حیوان نجس هستند که تمام اجزاء بدنشان حتی مو و ناخن آنها که جان ندارد، ناپاک است و ذبحشان لغو است یعنی به هیچ وجه قابل تطهیر نیست و خوردنشان حرام و گناه محسوب می‌شود.

زیان های جسمی خوک از نظر دانشمندان

۱- خوک از خوردن کثافات حتی مدفوع خود باك ندارد، از این جهت معده خود را لانه انواع و اقسام میکروب های امراض قرار داده که از آن جا به گوشت، خون و شیر آن سرایت می کند.

۲- از ضررهای مهم گوشت خوک، تولید مرض تریکینوز است که میکروبی با نام تریکین یا تریشین در گوشت خوک لانه می گذارد به گونهای که در یک کیلو گوشت خوک بسا ۴۰۰ میلیون نوزاد تریکین موجود است. این انگلها سبب آسیب گلبول های قرمز و ایجاد کم خونی در شخص، سپس سرگیجه و امراض زیاد دیگر می شوند.

۳- تولید مرض لادرری که از خوردن گوشت خوک به وجود می آید، در سرزمینهای مسیحی به خاطر خوردن گوشت خوک بسیار شایع است.

۴- خوک غیرت ناموسی ندارد! جفت خود را در معرض استفاده خوک های نر دیگر قرار می دهد. این صفات و اخلاق او در گوشتش تأثیراتی دارد. از این جهت اشخاصی که ازا ین گوشت تغذیه میکنند همان صفات و اخلاق رذیله را پیدا مینمایند.(۳۷)

سحر و جادو عامل گمراهی

یکی دیگر از گناهانی که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به کبیره بودنش تصریح فرموده اند، سحر میباشد که در آیات و روایات به آن اشاره شده است.

خداوند متعال می فرماید: «طایفه یهود پیروی کردند آن چه را که شیاطین بر مردم در زمان حضرت سلیمان می خواندند در حالی که سلیمان کافر نشد ولیکن شیاطین کافر شدند چه آن که سحر را به مردم یاد دادند و آنها را گمراه نمودند و از آن چه بر دو فرشته بابل، هاروت و ماروت از راه الهام نازل شده بود، پیروی کردند. در حالی که آن دو فرشته هر گاه می خواستند بکسی سحر بیاموزند قبلاً او را از عمل به آن نهی می کردند و می گفتند ما برای آزمایش آمده ایم و مواظب باش کافر نشوی. پس از آن دو فرشته قسمت هائی از سحر که به وسیل ?آن میان زن و شوهر جدایی می انداختند را یاد میگرفتند. اگر چه مردم نمیتوانستند بدون اذن خدا به کسی زیان برسانند و یاد می گرفتند آن چه به حالشان زیان داشت نه منفعت و آنها (بوسیله عقل خود و فرمایش

حضرت موسی) می دانستند که خریدار سحر درسرای دیگر بهره ای نخواهد داشت و به بد چیزی‌خود را فروختند اگر بدانند» (۳۸) در توضیح این آیه باید آورد؛ امام رضا علیه السلام ضمن گفتگویی با مأمون چنین فرمودند: «و اما هاروت و ماروت دو فرشته بودند که به مردم سحر یاد دادند تا بوسیله آن از سحر ساحران جلوگیری کنند و نقشه های آنها را باطل نمایند. آنان چیزی از سحر به کسی نیاموختند مگر این که قبلاً به او یادآوری کردند که ما وسیله آزمایش تو هستیم، کافر مشو. ولی عده‌ای بواسطه به کار بستن چیزی که باید از آن دوری می‌کردند، کافر گشتند و مشغول تفرقه انداختن میان مرد و همسرش بوسیله اعمال مخصوصی که انجام می دادند شدند.»(۳۹)

در مذمت سحر و جادو از اهلبیت علیه السلام احادیثی داریم که به آن اشاره می کنیم.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سه طایفه اند که به بهشت داخل نمی‌شوند. کسی که دائماً در حال شراب خواری باشد. کسی که دائماً درحال سحر باشد و قطع کننده صله رحم.»(۴۰)

و هم چنین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «کسی که نزد ساحر، کاهن یا دروغگویی برود در حالی که آن چه را که می گویند، تصدیق کننده باشد به تمام کتاب های آسمانی که خدا فرستاده کافر شده است».(۴۱)

امیرالؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «زنی خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت شوهرم به من بد اخلاقی و تندی می کند. من چیزی درست کرده ام تا او را با خود مهربان کنم. (یعنی او را سحر کرده‌ام یا به قول عوام چیز خورش کرده ام تا مرا دوست بدارد) رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: اف بر تو باد که دریاها و خاک ها را تیره ساختی و ملائکه های نیکان و ملائکه های آسمان و زمین ترا لعنت کردند»(۴۲)

لازم به تذکر است که سحر انواعی دارد که به آن اشاره خواهیم کرد اما قبل از بیان اقسام آن به جا است که سحر را تعریف کنیم. سحر عبارت است از نوشتن یا خواندن اوراد مخصوص یا سوزانیدن به آتش یادود کردن چیزهایی خاص، نقش کردن صورت، یا گره زدن پارچه یا چند چیز را به شکلهای گوناگون در جاهایی دفن کردن به طوری که در بدن، قلب یا عقل شخص سحر شده، اثر کند. مثل این که غایب را حاضر یا این که او را بیهوش کنند یا ایجاد محبت و دشمنی بین او و دیگری‌کنند و بین زن و مرد جدایی اندازد.(۴۳)

انواع سحر

۱- کهانت: خبر دادن از امور آینده و پیشگوئی کردن است به این منظور که خبرها از بعضی طوایف جن رسیده است. از مال دزدیده شده یا از امور آینده خبر می دهد. در این باره حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که کهانت کند و فردی که نزد کاهن برود تا برایش این عمل را انجام دهد از دین محمد صلی الله علیه وآله وسلم بیرون شده است.»(۴۴)

۲- شعبده: نشان دادن چیزی است که حقیقت و واقعیت ندارد. بوسیله سرعت حرکت و استفاده از خطای چشم بیننده انجام می‌گیرد. مانند آتشی که در آتش گردان است وقتی که به سرعت چرخ داده می شود، چشم یک دایره متصل آتشین می بیند. در حالی که واقعاً این طور نیست.

۳- تسخیرات: استخدام و تسخیر کردن ملک، جن یا ارواح بشر یا سایر حیوانات و غیره که تماماً حرام و از اقسام سحر شمرده می شود.

۴- قیافه: پیوند دادن کسی به دیگری در نسب. بر خلاف آن چه که شرع مقدس در اثبات نسب و الحاق یکی به دیگری، میزان قرار داده است، مثل این که از روی علم چهره شناسی حکم قطعی کند فلانی‌پسر فلان شخص است. در حالی که از روی میزان شرعی پسر او نیست یا بواسطه اعضای ظاهری و باطنی، شخص از امور غریب و پنهان خبر دهد.

نقل شـده است؛ علی بن هبیره از جمله حکام و امراء بنی عباس بود. غلامی داشت به نام رفید. بر او خشم کرده بود و قصد کشتنش را داشت. رفیـد به حضـرت صـادق علیه السـلام پناه آورد. آن حضـرت به او فرمودنـد: «نزد او برگرد و سـلام مرا به او برسان و بگو جعفر بن محمدصـلی الله علیه وآله وسـلم گفت، من غلام تو رفیـد را پناه دادم او را آزار مده» رفید عرض کرد: مولای من شامی بد اعتقادی است، حضـرت فرمود: «برو و بهمین قسم که گفتم بگو» رفید گوید روانه شدم در بیابان عربی مرا دید پرسید: کجا میروی؟ صورتت شبیه به کشـته شـدگان است. پس گفت؛ دست خود را به من بنما، چون نگاه کرد، گفت: دسـتت دست انسان کشـته شـده است! هم چنین پایم را دیـد و گفت: پایت پای انسان کشـته شـده است. تمام بـدنم را دیـد و گفت: بـدنت مانند جسد مقتول است. سپس زبـانم را نگـاه کرد، گفت: بر تو ضـرری نیست زیرا در این زبان رسالت و پیغامی است که اگر به کوه های بلنـد، آن پیغام را برسانی. آنها نرم می شوند.

رفیـد میگویـد، چون بر مولا-یم علی بن هبیره وارد شـدم امر به کشـتنم نمود. کتفهـایم را بسـتند و جلاد با شمشـیر برهنه بالای سـرم ایسـتاد. گفتم: ای امیر مرا که به زور نگرفـتی بلکه من بـا پـای خودم آمـدم. مطلـبی است که بـا تو در خلوت می گویم. خواهی مرا بکش یا ببخش. پس امر به خلوت نمود مطلب امام را به او رسانـدم گفت الله اکبر جعفر بن محمد این سـخن را به تو گفت و به من سلام رسانـد. گفتم: بلی و قسم خوردم تا سه مرتبه. پس با دست خود بازوی مرا گرفت، باز نمود و گفت، دست من پیش نمی رود و هرگز چنین کـاری نمی‌کنم. گفت، قـانع نمی شوم مگر به این کـار. پس اصـرار کرد دسـتان او را بسـتم و من زود آنها را گشودم سپس انگشتری خود را به من داد و گفت؛ امور خود را به تو وا گذاشتم، و همگی در دست تو است، هر چه خواهی بکن.(۴۵)

۵- تنجیم: خـبر دادن از حوادث تکوینی به طور قطع و جزم. ماننـد خـبر دادن از گرانی و ارزانی اجنـاس و قحطی. در حـالی که این امور را مسـتقلاً از حرکات افلاک و ربط سـتارگان بدانـدوآنها را مسـتقلدر تأثیرات این عالم بداند. اما خبر دادن از این امور به طور احتمـال و خـدا را مؤثرحقیقی دانسـتن جـایز است؛ چنـان چه خبر دادن از خورشـید گرفتگی، مـاه گرفتگی و منزلهـای ماه، اتصال و انفصال سـتارگان از یکدیگر مانعی ندارد. در این مورد رسول اکرم‌صـلی الله علیه وآله وسـلم فرمودند: «کسـی که منجم یا کاهن را تصدیق کند، پس به آن چه خدا بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم فرستاده است کافر شده است»(۴۶)

بایـد گفت که قـدرت ساحر محـدود می باشد، چنان چه امام صادق‌علیه السـلام فرمودند: «ساحر عاجزتر و ناتوان تر است که بتواند خلقت خدای را دگرگون سازد. زیرا کسـی که بتواند آن چه را خدا ترکیب و تصویر فرموده باطل کند و دگرگون سازد باید چنین شخصـی شـریک خـدا در خلقتش باشـد. بلنـد مرتبه است خداونـد از این که برایش شـریکی‌باشد. اگر ساحر بر چنین کاری توانائی دارد، پس باید بتواند پیری و گرفتاری‌را از خودش دور کند، نگذارد موی سرش سفید شود و تهیدستی را از خود دور کند. جز این نیسـت کـه بزرگـترین اقسـام سـحر نمیمه است که بـا آن میـان دوسـتان جـدایی می افکنـد و میـان اهـل صـفا و محبت، دشـمنی می اندازد».(۴۷)

پلیدی ساحر از نظر عقلای عالم

از مقدمات تحصـیل و بدست آوردن قدرت و علم سـحر، انواع شرور و جنایتها و خیانت ها که از جمله آنها ترک جمیع امور خیریه و ارتکـاب افعال شـنیع ماننـد زناء محصـنه، قتل نفس و خوردن خون انسانی با آداب مخصوص اهانت به آیات قرآن مجیـد. به طور کل اعمالی به جا آورد که توسط آن به شـیاطین نزدیک شود حتی از سـنخ آنها بدتر بشود تا بتواند به وسیل?آن از سحر و کهانت استفاده کند.

زهی بدبختی برای بشری که می تواند به برکت اعمال خیر و پیروی از دستورات شرع مقدس به ردیف ملائکه در بیاید و یا بالاتر از ملائکه شود، خود را از این درجات محروم ساخته و به اسفل الّسافلین که از شیاطین پایین تر است، برساند.

فرق بین سحر و معجزه

یکی از شـرایط نبوت و امامت دارا بودن معجزه می باشـد. معجزه انجام عملی است که از حـدود قوانین طبیعی بیرون بوده و دیگران از آوردن مانند آن عاجز و ناتوان هسـتند. و صاحب این عمل برای اثبات حقانیت خود از آن اسـتفاده می کند ولی متأسـفانه بعضـی افراد با استفاده از سحر و جادو ادعای نبوت و امامت می کنند و این دستاویزی برای توجه مردم به آنها می شود. لذا باید فرق ما بین معجزه و جادو را بیان کنیم تا جای هیچ شبهه ای باقی نماند یا به تعبیری فرق ساحر با نبی یا امام را بیان کنیم.

۱- اصل ادعا، عقلاً قابل قبول باشـد. اگر ادعایش قابل پذیرفتن نبود آن چه آورده، سـحر است. خواه علت آن دانسـته شود یا نشود. مثلاً پس از آن که بر هر مسـلمانی ثابت شـد که رسول اکرم صـلی الله علیه وآله وسـلم آخرین پیامبر است، تا قیام قیامت اگر کسـی ادعای پیغمبری کند و امور خارق العاده ای انجام دهد از همان ادعایش معلوم می گردد که جادوگر ماهری‌است.

۲- باید شـرایط عقلی مدعا را داشـته باشد. مثلاً از جمله شـرایط پیغمبر و امام، عصـمت است. یعنی پیش از مقام پیغمبری و امامت و بعـد از آن هیـچ وقت گناهی از او دیده نشده باشد. و از جهت علم و عمل سـرآمد اهل زمان خود باشد. پس اگر شخصـی که از او گناه دیده شده یا از معارف خدائی بی بهره است یا دنیا پرست اگر از او امور غریبه ای دیده شود، یقیناً جادوگر است.

۳- امر خارق العاده فقط به قدرت خداوند مستند باشد نه به تحصـیل و کسب اسـباب آن. مثلاً ساحر از اسـتخوان پوسیده مردگان و موی آنهـا اسـتفاده می کنـد و بـا ابزار خـاص سـحر می کنـد ولی معجزه فقط از خـداست و فی البـداهه صورت می گیرد. چنان چه پیغمبر با اشاره به ماه آن را دو نیم کردند، حضـرت عیسـی علیه السـلام که کور مادرزاد را شـفا دادند یا حضرت موسی علیه السلام که عصا را به اذن و قدرت خداوند تبدیل به اژدها نمودند.(۴۸)

اینها بخشی از تفاوت های سحر با معجزه بود که بیان شد.

روشهای ابطال سحر

شخصـی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و از سحر شکایت کرد. حضرت فرمود: «بر کاغذی که از پوست آهو باشد این دعا را بنویس و همراه خود قرار ده که آن سـحر بتو ضـرری نمی رسانـد و کیـدش در تو اثر نمی‌کنـد.» و آن دعا اینست: «بسم الله و بالله و ماشاء الله بسم الله لاحولولاقوهالابالله. قال موسـی ماجئتم به السـحر ان لله سـیبطله ان الله لا یصـلح عمل المفسدین فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنا لک و انقلبوا صاغرین»

آن حضـرت در این رابطه فرموده اند: برای جلوگیری از سـحر و شر شیطان هفت مرتبه بخوان «بسم الله وبالله سنشد عضدک باخیک و نجعـل لکمـا سـلطاناً فلایصـلون الیکمـا بـآیاتنـا انتما و من اتبعکما الغالبون» و هم چنین پس از فراغت از نماز شب و پیش از نماز صبح، هفت مرتبه آن را بخوان جز این نیست که بر تو ضرر نخواهد زد. (۴۹)

شراب عامل تخریب عقل و قوه تشخیص

شرابخواری که خوردن مایعات مست کننده است طبق قرآن و روایات ونظر عقلا منفور می باشد و برای عامل و شارب آن، آفت هایی وجود دارد که به آنها میپردازیم.

ابتدا به آیاتی که در مورد شراب وجود دارد، اشاره میکنیم و پس از آن به روایات و نظر دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان، تا حجت بر همگان تمام شود.

خداوند متعال می فرماید: «ای پیامبر از تو درباره حکم شراب و قمار میپرسند، بگو در این دو، گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم دارد ولی زیان آنها بیشتر از منفعت آنست»(۵۰)

در این آیه پروردگار صراحتاً اشاره می نماید که زیان این دو، یعنی‌شراب و قمار بیشتر از نفع آن است. چرا که بعضاً افراد در قمار سود زیادی بدست می‌آورند ولی بعد از آن منفعت بزرگتری را از دست می دهند. هم چنین در مورد شراب، شاید قدرت ظاهری‌بدست آورند ولی خود را مبتلا به بیماریهای مختلف کردهاند که در قسمت آخر به آن اشاره می شود.

خداوند متعال می فرماید: «همانا شراب و قمار و بتها پلید است و از اعمال شیطانی است»(۵۱) در این آیه نیز خداوند تعالی از قمار و شراب به پلیدی نام برده است. یعنی این دو سبب می شود انسان با معنویت خداحافظی کند و خود را از گناهکاران بداند و برای ارتکاب گناهان مختلف آماده شود.

شراب خوار جایگاهش در روایات چگونه است؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: «شراب خوار اگر مریض شد او را عیادت نکنید و اگر مرد بر تشییع جنازه او حاضر نشوید، اگر شهادت داد از او قبول نکنید، اگر خواستگار شد به او دختر ندهید. هر کسی دخترش را به شارب الخمر بدهد گویا او را به سوی آتش کشیده است. هر کس دخترش را به مخالف دین بدهد، قطع رحم نموده و هر کس شارب الخمر را امین شمارد برای او بر خداوند متعال ضمانتی نباشد» (۵۲)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سوگند به آن که مرا به حق فرستاد؛ هر کس شربتی از مست کننده بنوشد نمازش چهل روز و شب قبول نمیشود پس اگر توبه کند خداوند توبه او را قبول می نماید. هر کس دو شربت بنوشد، هشتاد روز و شب نمازش قبول نمیشود و بر خدا حقیست که او را از زرعه الخبال بنوشاند. گفته شد آن چه چیز است یا رسول الله؟ حضرت فرمودند: صدیه اهل آتش و چرک آنان، صدیه مانند چرك و خون است.»(۵۳)

با توجه به این حدیث نوشیدن شراب باعث می شود که انسان محبوبیت خود را نزد خداوند متعال از دست بدهد و حتی خداوند متعال به نمازهای او نیز توجه نخواهد کرد اما حدیث به این معنا نیست که من نماز را ترك کنم و نماز نخوانم، بلکه بدین معناست که پستی این عمل ما را از محبت خالق دور میکند و دیگر حتی به عبادت ما هم توجه نمی کند.

در مورد علت تحریم شراب امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «خداوند عزوجل خمر و شراب را به خاطر چند جهت حرام فرمود. در آن فساد است، عقل شارب را تغییر داده وزایل می کند، شارب را مجبور می کند که خداوند منان را انکار کند، شارب را مجبور می کند که بر خدا و انبیایش دروغ ببندد، فسادهای دیگری از شارب سر می زند. قتل و نسبت ناروا دادن و مبادرت به زنا ناشی از شرب خمر می باشد. شرب خمر سبب می شود که نسبت به اجتناب از محارم الهی بی‌اعتنا و کم مبالات گردد. سپس امام فرمودند: به خاطر این جهات حکم نمودیم که هر شراب و مایع مست کنندهای حرام است. زیرا عاقبتی که بر خمر مترتّب است بر این مایعات نیز مترتّب میباشد یعنی آن چه از فساد که به دنبال شرب خمر هست به دنبال نوشیدن این مایعات نیز خواهد بود، لذا کسی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته، دوستی و ولایت ما را دارد و اساساً مودت و محبت ما خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دین او می باشد باید از شارب مسکر- مایع مست کننده- اجتناب و احتراز کند چرا که بین ما و شارب مسکر هیچ ارتباطی

نمی باشد»(۵۴)

اینها بخشی از احادیث مربوط به نوشیدن شراب بود اما بشنوید ضررهای شراب را در کلام دانشمندان و پزشکان مسلمان و غیر مسلمان.

اندیشمندان و علمای اروپایی از قبیل، پاستور، برتیلیون، موسیو کریزل، کلینتول، دکتر گالیته بوآسیر، کوزر برای مشروبات الکلی‌مضرراتی بیان کرده اند که مشروحاً و مبسوطاً به آن ها اشاره می‌کنیم.

۱- اثری که الکل در وجود آدمی مینمایـد تدریجاً خون را فاسد نموده، عمل تغذیه اعضاء مختل و به طور صحیح انجام نمی گیرد. مقدار زیادی پیه و چربی اطراف قلب را گرفته و آن را سنگین و حجیم می کند، آن گاه که قلب سنگین شود به کندی ضربان می کند و رگ های آن تنگ می گردد و بدین واسطه نبض اشخاص الکلی غالباً آهسته و غیر منظم است، چون قلب ضخیم شده شرایین نمی تواند خون را قوی از قلب براند و بر سایر اندامهابرساند و با کوچکترین فشاری شریان پاره گردیده و سبب نزف الدم سخت می گردد.

۲- حنجره و ریه فرد الکلی پس از استعمال مشروبات به مرور زمان ورم میکند و صدای شخص الکلی بسیار خشن و بم می شود، سرفه های سختی که در این قبیل اشخاص ملاحظه می گردد نتیجه همان تحریک قصبه الریه می باشد.

۳- سینه های اشخاص معتاد برای مرض سل مستعد میشود. از روی‌امتحان و تجربه معلوم شده که اشخاص مسلول (دارای سل) غالباً معتاد به الکل می باشند، مگر عدهای کمی که به دلایل دیگر مبتلا شده اند.

۴- اثرات الکل در مغز و نخاع آدمی بسیار محسوس است. غالباً سبب نزف الدم دماغی یعنی پاره شدن شریان دماغی و ریختن خون دماغ میگردند و چون خون بر مرکز دماغ ریخت، شخص الکلی فجئه کرده و فوراً می میرد.

۵- الکل در جهاز هاضمه معتادین خیلی مؤثر است. زبانهای آنها شکاف های مختصری برداشته و حجیم می گردد و دیگر تشخیص مزه غذاها را به خوبی نمی دهند.(۵۵)

اینها خلاصه ای از اثرات باطنی مشروبات الکلی بود که توسط اندیشمندان علم پزشکی میکروب شناسان در دنیا اظهار شده است، خیلی جالب است بدانید، نوشیدن شراب در ادیان دیگر نیز حرام میباشد که در کتب ادیان مختلف از آن نهی شده است؛ به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم.

«وای بر آنانی که صبح زود بر می خیزند تا در پی مسکرات بروند و شب دیر می نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید.»(۵۶)

هم چنین در پلیدی شراب میفرماید: «زنا و شراب، شیره دل ایشان را می رباید»(۵۷)

در انجیل لوقا آمده است: «پس خود را حفظ کنید مبدا شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردید و آن روز ناگهان بر شما آید»(۵۸)

زنا عامل دردهای ناعلاج عفونی

زنا، هم بالینی نامشروع با جنس مخالف یا ارضای شهوت از طریق غیر قانونی و غیر مشروع است، عملی است که در قرآن و روایات

از آن نهی شده است و دارای زیان های فراوانی می باشد که توجه شما را به آن جلب می کنیم.

خداوند متعال در قرآن می فرمایند: «نباید به زنا نزدیک گردید، چرا که عملی بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است» (۵۹)

هم چنین در سوره نور می فرمایـد: «زنان و مردان زنا کار را هر کـدام صـد تازیانه بزنیـد و هرگز به آنان ترحم نکنید. اگر به خدا و قیامت ایمان داریـد و در هنگام اجرای حکم بایـد جمعی از اهل ایمان حاضـر باشـند»(۶۰) و هم چنین در روایـات متعـدد هم از این عمل نهی شده است، چنان چه احادیث زیادی در این مورد آمده که به آنها اشاره می شود.

حضـرت علی علیه السلام فرمودند: «بر شماست که از زنا دوری کنید زیرا در آن شش خصلت و خصیصه باشد. سه در دنیا و سه در آخرت، امـا سه تایی که در دنیاست: ۱- نشاط و درخشـندگی صورت را از بین می برد. ۲- رزق حلال را قطع می کند ۳- مرگ و فنـا نزدیک و فاعل را به جهنم می برد، اما سه تایی که در آخرت باشـد: ۱- فاعل را گرفتار سوء حساب می کنـد ۲- موجب غضب باری تعالی می باشد ۳- فاعل را در آتش، مخلّد می کند.(۶۱)

امام رضا علیه السـلام در علت تحریم زنا فرمودند: «زنا حرام شده زیرا در آن فساد میباشد و آن عبارت است از کشتن نفوس، از بین رفتن انسـاب، ترک تربیت اطفـال، تبـاه شـدن میراث و اموری شبیه به اینهـا که جملگی‌از وجوه فسـاد محسوب می شونـد.»(۶۲) هم چنین امـام صـادق‌علیه السـلام فرمودنـد: «سـخت ترین عـذاب را در روز قیامت آن مردی دارد که نطفه خود را در رحمی که بر وی حرام بوده، جای داده است.(۶۳) اما اینها بخشـی از آیات و روایات مربوط به زنا بود که بیان کردیم، اینک به سـخنان دانشمندان و پزشکان توجه کنید تا متوجه آسیب های این گناه شوید.

جناب آقای دکتر سید حسین فتاحی معصوم در مورد رابطه های‌نامشروع این چنین می گوید:

بیماری ایدز یا سندرم نقص ایمنی اکتسابی در سال ۱۹۸۱ کشف شد و تا کنون در آمریکا ۶۰ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده اند. مرگ و میر آن نزدیک به صـد در صـد می باشد. عامل این بیماری ویروسـی است که به اختصار «HIVمی گویند و در سال ۱۹۸۳ کشف شـده است. با تلاش های فراوانی خواسـته انـد عامل این بیماری را به بی بنـد و باری نسبت ندهنـد. اما هنوز هم در بین افراد بی‌بنـدوبارو هم چنین همجنس بـازان در صـد بالایی را تشـکیل می‌دهـد بطوری که در همجنس بازان ۷۸ درصـد و در هموفیلی ها کمی بیش از یک درصد می باشد.(۶۴)

جناب آقای دکتر احمد محمود آبادی درباره راه های انتقال ایدز می‌گوید. ویروس HIV(ایدز) از نظر روش انتقال بسیار شبیه یکی از ویروس هـای مولـد هپـاتیت به نام ویروس هپاتیت Bمی باشـد. راه های‌عمـده انتقال این ویروس عبارتنـد از: تماس جنسـی (زنا و غیر)،ورود خـون و فرآورده هـای خـونی آلـوده از جملـه سـوزن هـای‌آلوده در معتـادان تزریقی و انتقـال از مـادر بـه جنیـن.(۶۵) یکی‌دیگرازنتایـج شوم زنـا شـیوع بیمـاری های آمیزشـی و یا عوارض ناشـی از آنهاست که سـبب ضـعف و ناتوانی بـدن و حتی در گروهی‌سبب خود کشی می شود. بعضی از بیماری های عفونی این عمل عبارتند از:

۱- سفلیس (زخم کوچکی روی دستگاه تناسلی یا سایر نقاط بدن ایجاد میشود و سبب وارد شدن میکروب به خون می گردد.)

۲- سوزاک (عفونت موضعی دستگاه تناسلی ادراری که به ندرت وارد خون می شود)

۳- شانکو (بیماری عفونی)

۴- ایدز (HIV(که سبب ایجاد حالاتی چون سارکوم کاپوزی، لنفوم مغز، سل ریوی، و ...)

امـا درباره حـد این گناه بایـد مسایلی را بیان کنیم تا پلیـدی این عمل واضـحتر مشـخص شود. حضـرت آیت ا... العظمی تبریزی در رسـال? خود آورده است اگر مرد آزادی زنـا کنـد، بایـد او را صـد تازیانه بزننـد و چنان چه سه مرتبه زنا کنـد، و در هر مرتبه صـد تازیانه اش بزنند در دفعه چهارم باید او را بکشـند ولی فردی که زن عقدی دائمی یا کنیز مملوک دارد و در حالی که بالغ و عاقل و آزاد بوده با او نزدیکی کرد، و هر وقت هم بخواهد می تواند با او نزدیکی کند، اگر با زنی که بالغه و عاقله است زنا کند، باید او را

سنگسار نمایند.(۶۶)

حضرت امام رحمه ا... در این رابطه آورده‌اند: حد زنا با محارم نسبی یا با زن پدر یا کافر با زن مسلمان و زنای به عنف که زن از خود اختیاری‌نداشته باشد، قتل می باشد و حد زنای زن با مرد همسردار سنگسار می باشد و حد زنای غیر محصنه و غیر محرم صد ضربه شلاق می باشد.(۶۷)

حضرت آیت الله العظمی خوئی رحمه الله علیه نظر داده‌اند: اگر مرد آزادی زنا کند، باید او را صد تازیانه بزنند و چنان چه سه مرتبه زنا کند در هر دفعه صد تازیانه اش بزنند در دفعه چهارم باید او را بکشند ولی‌کسی که زن عقدی دائمی یا کنیز مملوک دارد و در حالی که بالغ و عاقل و آزاد بوده با او نزدیکی کرده و هر وقت هم بخواهد می تواند با او نزدیکی کند، اگر با زنی که بالغه و عاقله است زنا کند باید او را سنگسار نمایند.(۶۸)

امامسئله‌اول‌مورداتفاق‌نظرحضرات‌عظام‌تقلید، حضرت آیت‌العظمی بهجت، حضرت آیت الله العظمی صافی، حضرت آیت العظمی مکارم شیرازی و حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی می‌باشد.

موسیقی سبب تضعیف اعصاب و روان

از آن جهت که گوش راهیست نزدیک به سوی دل و قلب باید آن را از شنیدن صداها و آهنگ های حرام باز داریم، اگر طالب سلامت دل و جانمان هستیم. خداوند متعال در این باره می فرمایند: «بعضی از مردم سخنان بیهوده را خریدارند تا مردم را از روی نادانی از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آنها عذابی خوار کننده است»(۶۹)

آیا شنیدن موسیقی و ترانه های بیهوده که بعضاً ساعت ها افراد به آن گوش می دهند، مصداق سخنان بیهوده نیست.

خداوند متعال در سوره اسراء می فرمایند: «همانا گوش و چشم و دل همگی مورد سؤال قرار می گیرند»(۷۰)

آیا شنیدن آهنگها و ترانه‌هایی که سبب تحریک شهوت و سبب ایجاد انحرافات جنسی می باشد، موردی نیست که ما به خاطر آن مورد سؤال واقع شویم؟

هم چنین خداوند متعال می فرماید: «باید از قول زور پرهیز کنید»(۷۱)

جالب است بدانید امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه فرمودند: «مقصود، آوازه‌خوانی است»(۷۲)

هم چنین در این رابطه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «چهار چیز است که دل را تباه میکند و نفاق را در دل می رویاند، هم چنان که آب درخت را میرویاند، گوش دادن به لهوّیات (موسیقی) بد زبانی، آمد و شد به درگاه سلطان و شکار.»(۷۳)

و هم چنین امام صادق علیه السلام میفرمایند: «خانه هایی که در آن نوای موسیقی باشد از حوادث ناگهانی ایمن نیست، در آن دعا مستجاب نمی گردد و فرشتگان بر آن داخل نمی شوند» (۷۴)

در این باره باز رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «ازینک از گوش دادن به سازها و آوازها حذرکنید، زیرا این دو نفاق در دل می رویانند هم چنان که آب سبزه را می رویاند» (۷۵)

اینها قدری از آیات و روایاتی بود که در مورد موسیقی از ناحیه اهل البیت علیه السلام به ما رسیده است. اما نظر مراجع معظم تقلید در مورد موسیقی چیست؟

حضرت امام خمینی رحمه ا... در پاسخ به سئوالی که پرسیدند: بعضی از سرودهایی که از صدا و سیمای جمهوری اسلام پخش می‌شود، آهنگ های تندی دارد که حتی انسان را از حالت طبیعی خارج می کند، شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد و آیا شنیدن کلیه آهنگ هایی که از رادیو پخش می شود موافق شرع است؟ فرمودند: موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.(۷۶)

حضرت آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه) در توضیح مسائل آورده‌اند: آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می باشد.(۷۷)

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی نظر می دهند که: آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می باشد، اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند حرام است ولی اگر آن را با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد اشکال ندارد.(۷۸)

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در کتاب مسائل کثیرالابتداء مینویسند: کلیه صداها و آهنگ هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهمیده‌ی متدیّن خواهد بود. (۷۹)

حضرت آیت الله العظمی سید صادق شیرازی در توضیح المسائل خود آورده‌اند: موسیقی که غالباً با آلات لهو نواخته می شود یا مشتمل بر غناست، حرام می باشد.(۸۰)

حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمهٔ ا.. علیه) در این رابطه فرموده‌اند: استعمال آلات مختص به لهو در غیر لهو بنابر احتیاط واجب جایز نیست و استعمال آنها در لهو حرام است و موسیقی مطرب، استماع آن هم حرام است و میزان مطرب بودن اطرب، شأنی است نه فعلی و تشخیص آن با خود مکلف است.(۸۱)

حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله علیه) استفتاء میدهند: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است جایز نیست و هر آهنگی که از نواختن آلات موسیقی‌تولید شود، حرام است.(۸۲)

حضرت آیت الله العظمی وحید در منهاج الصالحین آورده‌اند: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است جایز نیست و هر آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید شود، حرام است. (۸۳)

حضرت آیت الله العظمی سیستانی نیز نظر داده‌اند: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است جایز نیست و هر آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید شود حرام است.(۸۴)

اینها نظر برخی از مراجع معظم تقلید بود که دلالت بر تحریم موسیقی‌و غنا می کرد اما براستی چرا بعضی ها با وجود آیات و روایاتی که در مورد حرام بودن موسیقی است باز به این عمل تمایل نشان می دهند.

موسیقی سبب عامل بسیاری از بیماری ها میباشد که به آنها اشاره میکنیم. اما قبل از بیان دیدگاه دانشمندانی که با موسیقی مخالفند، باید اشاره کرد عده‌ای موسیقی را مفید می دانند و باعث بهبود بیماری ها میدانند ولی این افراد کاملاً غافلند از این که شاید موسیقی‌باعث درمان ظاهری مرضی گردد ولی همان موسیقی سبب پیدا شدن مرض های دیگری در اندامهای مختلف بدن می شود درست مانند داروهای شیمیایی که بعضاً برای نقطه ای از بدن مفید است و برای قسمت های دیگر ضرر دارد و آن افرادی که قائل به مفید بودن موسیقی هستند؛ فقط منافع جزئی آن را میبینند و از مضرات کلی آن غافلند.

اما بد نیست نظر دانشمندان را هم در مورد موسیقی بدانید تا دیگر جای هیچ گونه شک و شبهه ای در مورد ضررهای موسیقی برای شما باقی نماند.

دکتر «ولف آدلر» پروفسور دانشگاه کلمبیا مینویسد:

«بهترین و دلنوازترین نواهای موسیقی، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان می گذارد؛ مخصوصاً وقتی که هوا گرم باشد

اثرات نامطلوب آن شدیدتر می گردد.»(۸۵)

دکتر «آلکسیس کارل» فیزیولوژیست و زیست شناس فرانسوی آورده است:

«ساز و آواز کنسرتها، صدای اتومبیلها و ورزش ها نمی توانند جای‌فعالیت ها و کارهای سودمند اجتماعی را بگیرند، رادیو نیز مانند سینما و موزیکال، سستی کامل به کسانی می بخشد که با آن سرگرمند»(۸۶)

ارسطو می گوید: «وقتی زمامداران فرهنگ اجتماع به جای توجه به اختراعات، اکتشافات و امور صنعتی و ایجاد کار، بوسیله ساز، آواز و موسیقی و عیاشی، برنامههای اتلاف وقت تعیین نمودند به دانشمندان و نویسندگان بیدار بگویید آگهی مرگ فرهنگ و تعلیم و تربیت را منتشر نمایند. هر وقت کشوری را دیدید که از پیشرفت های‌علمی محروم است و به جای مخترع و مکتشف و صنعتگر، آوازه خوان و موسیقی نواز را هنرمند معرفی می نماید، بدانید دست های خیانت در فرهنگ آن کار می کند»(۸۷)

تئوفیل گوته، شاعر انتقادی فرانسوی مینویسد:

«موسیقی عزیز ولی نامطبوع ترین صداها است. دقیقاً من سکوت را بر دلانگیزترین نغمه ها ترجیح می دهم» (۸۸)

موسورسکی، که خود اطلاعاتی از فن موسیقی داشته می گوید:

«برای ما نه موسیقی لازم است و نه نقاشی و نه سنگتراشی، شما و امثال شما ریا کاران و دروغگویان بروید پی کارتان، ما احتیاج به افکار زنده و بیدار داریم»(۸۹)

معروف است دوران عمر طبیعی بشر یکصد و بیست سال است ولی‌فیزیولوژیست ها و علمای روانشناس، زیست شناس و به ویژه متخصصان علوم روانی و اعصاب، معتقدند که بشر هر گاه در محیطی‌قرار بگیرد که از سر و صداها دور و روان و اعصابش از ناراحتی های گوناگون و پیش آمدهای ناگوار بر کنار بوده به مراتب عمر او بیش از صد و بیست سال خواهد شد.(۹۰)

اما با نگاهی کوتاه به زندگی و طول عمر موسیقدانان به این نکته پی‌می بریم که موسیقی سبب کوتاهی عمر بشر است و اکثر موسیقدانان عمرشان حتی از نصف عمر متوسط طبیعی-۶۰ سال- نیز کمتر بوده است، برای اثبات این مدعا به جدول زیر توجه فرمائید.(۹۱)

نام تاریخ تولد تاریخ مرگ مدت عمر کشور

کاوالیر ۱۵۵۰ ۱۶۰۲ ۵۲ سال ایتالیا

بلینی ۱۸۰۱ ۱۸۳۵ ۳۴ سال ایتالیا

آدام دولاهال ۱۲۴۰ ۱۲۸۷ ۴۷ سال فرانسه

رابرت کامبر ۱۶۲۸ ۱۶۷۷ ۴۹ سال فرانسه

هاینریش آلبرت ۱۶۰۴ ۱۶۵۱ ۴۷ سال آلمان

آلبان برک ۱۸۸۵ ۱۹۳۵ ۵۰ سال آلمان

ایوانویچ گلینکا ۱۸۰۴ ۱۸۷۵ ۷۱ سال روسیه

موزارت ۱۷۵۶ ۱۷۹۱ ۳۵ سال اطریش

توماس مورله ۱۵۵۷ ۱۶۰۲ ۴۵ سال انگلیس

توماس ویلکس ۱۵۷۵ ۱۶۲۳ ۴۸ سال انگلیس

مک داول ۱۸۶۱ ۱۹۰۸ ۴۷ سال آمریکا

حسینقلی ۱۲۳۴ ۱۲۹۴ ۶۰ سال ایران

ابوالحسن صبا ۱۲۸۱ ۱۳۳۶ ۵۵ سال ایران

ربا عامل تشنجات عصبی

یکی از گناهـان کبیره ربـا خواری است و این گنـاه سـبب جنگ و پیکار با خداونـد و رسولش میشود. در مـذمت این عمل آیات و روایـات زیـادی‌وجود دارد که به آن اشـاره می کنیم و بعـد نظر دانشـمندان را در این بـاره می‌آوریم تـا بر همگان پلیـدی این عمل روشن گردد.

خداوند متعال می فرماید: «آن کسانی که ربا خوردند، برنخیزند جز به مانند آن که به وسوسه و فریب شیطان مخبط و دیوانه شده و آنان بـدین سـبب در این عمل (ربا خوردن) زشـتند که گوینـد هیـچ فرقی میان معامله و ربا نیست و حال آن که خداونـد تجارت را حلال کرده و ربا را حرام، هر کس پس از آن که پند و اندرز کتاب خدا به او رسـید از این عمل دست کشید، خدا از گذشته او در گذرد و عاقبت کار او با خدای‌مهربان باشد. کسانی که از این کار دست نکشـند آنان اهل جهنم اند و در آن جاوید معذب خواهند بود»(۹۲) هم چنین خداونـد متعال می‌فرمایـد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بپرهیزد، و آن چه از ربا باقی مانده رها کنید؛ اگر ایمان دارید! اگر چنین نکنید، بدانید خدا ورسولش با شما پیکار خواهند کرد» (۹۳)

در این رابطه رسول خدا صـلی الله علیه وآله وسـلم میفرمایند: «یک درهم ربا که انسان دانسـته گیرد در نظر خدا بدتر از سـی وشش زنا است.»(۹۴)

در علت تحریم ربا امام رضا علیه السلام فرمودند: «خداوند عزوجل ربا را حرام فرمود؛ زیرا مایه بر باد رفتن اموال می شود؛ چه وقتی انسـان یـک درهم را به دو در هم بخرد بهـای آن در هم (که خریـده) یک درهم است و در هم دیگر (که داده) بیهوده و بیجاست. پس خریـد و فروش ربا در هر حال موجب نقصان و زیان برای خریدار و فروشـنده است. بنابراین خداوند تبارک وتعالیربا خواری را بربندگان ممنوع ساخت؛ چون مایه تباه شدن اموال می گردد.»(۹۵)

هم چنین امـام صـادق علیه السـلام فرمودنـد: «اگر ربـا حلاـل بود، مردم کار، تجارت و کسب مایحتاج خود را رها می کردنـد. پس خداونـد ربـا را حرام فرمـود، تـا مردم ازحرام خـواری دسـت کشـیده بـه تجـارت، خریـد و فروش روی آورنـد و بـه یکـدیگر قرض دهند»(۹۶)

ربا از نظر دکتر عبدالعزیز- به نظرایشان، زیان ناشـی از معاملات رهنی‌نوعی ربا از جهت طلبی خیلی شدید می باشد به این معنی که معمولاً اشـخاص رباخوار بـدون زحمت در مدت کمی ثروت زیادی‌اندوخته می نمایند و مسـلم است که صدمات ثروتمند شدن در اعصاب بیشتر از مصایب است؛ زیرا انسان هنگام وقوع هر مصیبتی می تواند به امید زوال تدریجی یا اجر اخروی آن دلخوش باشد و این خود حکمتی الهی است که انسـان را در برابر صـدمات نگه می دارد ولی انفعالاـت نفسـانی که از پیش رفت هـای آنی حـادث می‌شود، عادتاً قابل تحمل نیست، زیرا شخص تصور زوال آن را نمی کند و اگر چنین تصوری نماید، مسرتش از بین می رود. غالب امراض عصـبی و روحی ناشـی از این گونه حالاـت است. امـا کسب حلاـل ماننـد تجـارت و زراعت هر چنـد نتیجه آن زیـاد باشـد،

صدمات شدید روحی‌و عصبی نخواهد داشت زیرا حصول نفع و ضرر در این قبیل موارد تدریجی است، شخص زارع یا کاسب هر روز انتظار سود یا زیان را دارد و این انفعالات مکرر و موقتی او را برای تحمل صدمات آماده می سازد.(۹۷)
اما زیان دیگر جسمی که می توان برای ربا ذکر کرد این است؛ اکثر کسانی که ربا می گیرند بی کار می باشند و فعالیت جسمی ندارند. چون کار نمی کنند و به پول ربا اکتفا می کنند، این بیکاری و عدم تحرک جسمی خود منشأ بسیاری از بیماری ها میگردد و بیماری های‌ناشی از بی تحرکی نیاز به بحث ندارد.(۹۸)
اینها بخشی از آیات و روایات مربوط به ربا بود که بیان شد و از نظر عقلا هم این عمل مورد مذمت واقع شده است. در جواب افرادی که می گویند در ربا سود وجود دارد، باید گفت؛ سودی که یک نفر از آن بهرمند شود و دیگری در فقر قرار گیرد، سود نیست. نکته دیگراین است که مثل این افراد مثل بچه ای است که با نشان دادن یک اسباب بازی بی ارزش یک وسیله ارزشمندی را از دست او می گیرند و او به خاطر از دست دادن آن ناراحت نمیشود بلکه به خاطر آن شیء بیارزش شاد و خندان میگردد. ربا خوار نیز به خاطرسود ناچیز دنیا خوشحال است اما اصلاً احساس نگرانی به خاطر تباه شدن آخرتش و فساد دینش ندارد.

یک لحظه چشم چرانی یک عمر پشیمانی

نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای شیطان میباشد و مقدمه ارتکاب گناهان بزرگی چون عمل منافی عفت، قتل و دزدی و ... است لذا در قرآن و روایات از این عمل نهی شده و عقلای عالم نیز این عمل را منفور می دانند.
خداوند متعال می فرماید: «ای رسول ما؛ مردان مؤمن را بگو تا چشمهایشان را فرو بندند و فروج و اندامشان را (از حرام) محفوظ دارند، این برای ایشان پاکیزه تر است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است» (۹۹)
خداوند در آیه فوق صراحتاً مردان مؤمن را از نگاه به نامحرم نهی می‌کند و این را عامل پاکیزگی مؤمنان بیان میکند. ولی این حکم تنها مخصوص مردان نیست بلکه زنان مؤمن نیز بایدچشم های خود را از نگاه به مردان نامحرم حفظ کنند چرا که خداوند حکیم می فرماید: «ای رسول خدا؛ زنان مؤمن را بگو تا چشم هایشان را از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند؛ زینت و آرایش خود را جز آن چه ظاهر می شود بر بیگانگان آشکار نسازند.»(۱۰۰)
این چند آیه مربوط به نگاه های حرام بود. اما در کنارآیات، روایاتی‌وجود دارد که به آنها هم اشاره می کنیم. رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «غضب شدید و طاقت فرسای خداوند، دامنگیر زن شوهرداری است که چشم های ناپاکش از نگاه های آلوده و شهوت بار به مردان اجنبی پر شده است. اگر زنی به چنین انحرافی دچار شود خداوند تمام اعمال خیر و پسندیده اش را به هدر خواهد داد و اگر از نگاه تجاوز کند و با داشتن شوهر، زنا بدهد، بر خداست که چنین زن بی پروا و خیانتکاری را به آتش قهر خویش بسوزاند پس از آن که در قبر، عذابش کرده است.»(۱۰۱)
هم چنین امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «هیچ کس از زنا بیبهره نیست. زنای چشم؛ نگاه (به نامحرم) است و زنای دهان؛ بوسه (حرام) است و زنای دست؛ تماس با بدن (نامحرم) می باشد» (۱۰۲)
حضرت زهرا سلام الله علیها در این رابطه فرمودند: «آن چه برای‌زنان نیکوست اینست که مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز آنها را نبینند»(۱۰۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره میفرمایند: «هر کس چشم چرانی کند، خاطر خود را آزرده و کسی که پیوسته عادتش این باشد در حسرت به سر می برد»

با توجه به احادیث مربوط به نگاه حرام، مشخص شد که این عمل نتیجه ای جز زیان و حسرت ندارد. شخصی که به این عمل عادت کند، خود را به تباهی می کشاند چنان چه خود این افراد به آن اقرار می کنند. از جمله اقرار کنندگان زن ۱۸ ساله ای است که از خانه فرار کرده بود و بوسیله مأمورین پاسگاه نعمت آباد دستگیر شد. وی در پاسگاه گفت؛ سه سال پیش به عقد شخصی در آمدم ولی به تدریج احساس کردم که او را دوست ندارم، چهره شوهرم را با قیافه بعضی از مردها مقایسه میکردم و افسوس می خوردم که چرا زن این مرد شدم.(۱۰۴)

با توجه به داستان بالا مشخص می شود که علت بسیاری از طلاق ها و اختلافات و خیانت ها نگاه حرام می باشد. نگاهی که امام صادق علیه السلام دربارهاش فرمودند: «نگاه دوم، نگاهی که بعد از نگاه اول صورت گیرد، در قلب انسان تخم شهوت را می پاشد و کافی است که صاحب نگاه را به فتنه بزرگی دچار نماید.»(۱۰۵)

این نگاه، همان نگاهی است که سبب قتل ۲۰ نفر شده و نگاهی که سبب جدایی زن از شوهر می شود.

یکی از بزرگان حکایت میکند؛ که گفت سالی به سفر حج می رفتم، زنی در بیابان دیدم عصایی به دست و با سرعت هر چه بیشتر راه می‌رفت. علتش را سئوال کردم که با این سرعت کجا می روی؟ پاسخ داد: نذر کرده ام بیست سفر حج پیاده انجام دهم، تا کنون چهارده بار مشرف شده ام و شش حج دیگر مانده! علت نذر را سئوال کردم؟ زن گفت: علت آن طولانی است و وقت بیان آن را ندارم. تا آن که به موقوف رسیدیم. اتفاقاً دوباره به آن زن برخورد کردم، نزد او رفتم و علت نذرش را مجدداً سئوال کردم. گفت: اگر بدانم که مرا رسوا نخواهی کرد و آزاری هم به من نمی رسانی، برایت نقل خواهم کرد. او را اطمینان دادم و خاطرش از جانب من جمع شد، چنین گفت: من تنها فرزند یک خانواده بزرگ بودم از طبقات مختلف مردم به خواستگاری من می‌آمدند ولی به هیچ کدام رضایت نمی دادم تا این که روزی پدرم از منزل بیرون رفته بود و من برای تماشای کوچه به در خانه آمدم. در این هنگام چشمم به جوان رعنای خوش خط و خالی‌افتاد. شمایل موزونش مرا به خود جلب کرد. در این حال او هم به من اظهار علاقه نمود. از جوان خواستم تا ساعتی را با هم به سر بریم. داخل خانه شد. سپس با یکدیگر در آویخته و به هم مشغول شدیم. در این احوال صدای زنگ در به گوش رسید و این صدا ما را مضطرب کرد. در پی جایی می گشتم تا جوان را پنهان کنم. در خانه ما خمره ای بود که قبلاً در آن آذوقه می گذاشتیم ولی آن وقت خالی بود. جوان را به داخل خمره کردم و در خمره را بستم. برای باز کردن در منزل، به طرف حیاط روانه شدم. هنگام باز کردن در با پدرم مواجه شدم که برای کاری به منزل آمده بود چون پدرم از خانه بیرون رفت و خانه بار دیگر خلوت شد، شادمان به سوی خمره رفتم، درش را گشودم و جوان را مرده یافتم! جوان در اثر بوی تعفن داخل خمره خفه شده بود. مضطرب به فکر چاره شدم به هر صورتی بود، نعش جوان را از آن محل بیرون کشید. و در جایی از منزل پنهان کردم به فکر آن بودم تا چگونه بدون رسوایی به خاکش بسپارم. گیج و بی تصمیم بالای بام رفتم. چشمم به غلام سیاه رنگی افتاد. با اشاره ای او را به کنار بام منزلمان طلبیدم و آهسته بدون اطلاع پدر و مادرم، راز قضیه را به او گفتم که اگر نگذاری کسی از قضیه مطلع شود، از دادن زر و زیور به تو هیچ فرو گذار نخواهم بود. غلام قبول کرد و سوگند یاد کرد که خواسته مرا به طور محرمانه انجام دهد. من هم با اعتماد به غلام ماجرا را تماماً برایش نقل کردم و نعش جوان را به او تحویل دادم. چون غلام از جریان با خبر شد، فریاد کشید. من که دیدم رسوا می‌شوم خود را به دست و پای او انداختم و تذلّل کردم که هر چه زودتر نعش جوان را به بیرون از منزل منتقل کند و آبروی مرا نریزد. غلام گفت: به شرطی به گفته ات عمل خواهم نمود که خود را در اختیار من بگذاری، والا رسوایت می کنم. من هم به حکم اجبار، تسلیم غلام شدم و از او تمکین نمودم. پس از این ماجرا خود را آلوده یافتم. آن گاه غلام برخاست، نعش را به دوش کشید و جوان مرده را از خانه بیرون برد. من هم چنان در فکر کار

خود بودم و این گونه شب را به پایان رساندم که صدایی مرا به خود جلب کرد، متوجه ریگ هایی‌شدم که به شیشه زده می شد. بلند شدم و حیران از این امر بی‌درنگ به بام رفته و از آن جا کوچه را نگریستم. غلام مذکور را دیدم از او علت سنگ زدنش را سئوال کردم؟ گفت: رفقای من هر یک با یاران خود به میگساری مشغولند و من بی یار هستم لذا از من خواست که با او همکاری کنم و شادی بخش مجلس او باشم از او خواهش کردم که اجازه دهد تا پدر و مادرم به خواب بروند. آنگاه که آنها به خواب عمیق فرو رفتند از خانه بیرون شدم و به اتفاق غلام به محلی که بزمگاهشان بود رفتم. یک عده از متصدیان امور حیوانات به دور یکدیگر جمع بودند و هر کدام یاری در آغوش گرفته بود و با او مأنوس بودند. بعضی از آن زنان مرا شناختند و تعجب نمودند که چرا من به این مجلس آمده‌ام، آنگاه زنان شروع به طعنولعنمن نمودند و مذمتم کردند از این که دامن عفت خانواده‌ام را ننگین نموده‌ام. پاسخ دادم: ای خواهران من! هر کس در معرض وقایع ناگوار است و سزاوار نیست که شما پرده راز کسی را پاره کنید و رسوایش نمایید. آن ها مرا به خوردن شراب دعوت کردند و من از آنها تقاضا کردم تا امشب ساقی آن ها باشم و در شب های بعد در شراب خواری با آنان شرکت کنم، قبول کردند. من که ساقی شده بودم به قدری به آنها شراب دادم که مست و بیهوش نقش زمین شدند سپس کاردی از کمر یکی از آنها کشیدم و از اول تا آخر آنها را سر بریدم و با سرعت هر چه تمامتر خود را به خانه رساندم و در بقیه شب، خود را به خواب زدم. روز بعد، خبر این فاجعه در شهر پیچید که در فلان خرابه نوزده زن و مرد به علت نامعلومی به قتل رسیده‌اند و از قاتل یا قاتلین اطلاعی در دست نیست. طبیعی است هیچ فردی به من که دختر معروف شهر بودم ظنّ بد نمی برد و تا کنون هم کسی از این کار با خبر نشده بود، این ماجرا گذشت و پس از مدتی پدر و مادرم مرا به عقد یکی از خویشانم در آوردند و من که قبلاً بکارت خود را از دست داده بودم در فاصله بین عقد و عروسی به فکر چاره ای افتادم که آبرویم را حفظ کنم برای این کار چنین اندیشیدم که کنیزی را که از جهت قیافه، سن و سال شباهتی‌به من داشته باشد بخرم. همین کار را هم کردم و او هم نسبت به من اظهار علاقه و وفاداری نمود تا این که شب عروسی فرا رسید. کنیز را به خلوتی بردم و راز خود را برایش بازگو نمودم. سپس لباس عروسی ام را به او پوشاندم و پس از انواع زینت ها و آرایش ها او را به جای خود به نزد شوهر فرستادم تا این که شوهرم از راز و جریان کار من با آن غلام آگاه نشود و مرا رسوا نسازد. در آن شب همسرم مست شراب بود و این امر به عملی شدن نقشهی من کمک زیادی کرد و خوشبختانه همسرم از باکره نبودن من با خبر نشد و کنیزک را با من اشتباه گرفت. شب با موفقیت سپری شد و صبحگاهان به سراغ کنیزک رفتم به مجرد این که کنیزک مرا دید، فریاد زد که شوهرم با او همبستر شده و شوهر تو، شوهر من است! من که وضع را خراب تر از پیش دیدم به سرعت با دو انگشت گلوی او را فشار دادم و بر نوزده کشته پیش، نفری افزودم. این بار با مسأله جدیدی روبرو شدم که با نعش او چه کنم؟ حیران از این موضوع، فکری به نظرم رسید. او را به داخل هیزم انداختم و برای این که هر گونه آثار جرمی را محو کرده باشم، هیزم ها را آتش زدم و وانمود کردم که آن جا آتش گرفته است تا آن که تمام هیزم ها با جسد کنیزک سوخت و من از این بابت آسوده خاطر شدم اما با وجدانی ناراحت آن جا را ترک کردم!! از این به بعد زندگی ما به طور عادی میگذشت و من به خاطر کشتن بیست انسان و چندین گناه بزرگ و خیانت به همسرم وجدانم ناراحت بود. پیوسته در ناراحتی فکری به سر می بردم.ناگزیر تصمیم به ترک دنیا گرفتم و به همین علت از شوهرم تقاضای طلاق نمودم و بالاخره او را به این مسأله راضی نمودم و بعد نذر کردم تا بیست سفر حج پیاده به جا آورم و برای هر یک از مقتولین یک حج پیاده انجام دهم و از خدای‌بزرگ نیز طلب مغفرت و امید عفو دارم که او بخشنده و مهربان است.(۱۰۶)

یک نگاه نابجا باعث این همه مشکلات و گرفتاریها می شود. لذا به هر مرد و زنی واجب است که چشم های خود را از نگاه به نامحرم بپوشانند چرا که امام صادق علیه السلام فرمودند: «نگاه دوم، نگاهی که بعد از نگاه اول صورت گیرد در قلب انسان تخم شهوت را می پاشد و کافی‌است که صاحب نگاه را به فتنه بزرگی دچار نماید».(۱۰۷)

آیا تا کنون درباره زیان نگاه ها فکر کرده بودید؟ پس از این به بعد بیشتر مراقب نگاههایمان باشیم.

خود ارضایی عامل بیش از پنجاه بیماری

خود ارضایی، دفع شهوت بواسطه بازی های جنسی با خود که در پسران و مردان به نام استمناء و در دختران و زنان به نام استشهاء است. عملی است منفور و زیان آور. اگر کسی به این کار مبتلا شود خود را در مسیر خطرناکی قرار داده است که به آنها اشاره خواهد شد اما ابتدا بشنوید احادیثی را که در باب مذمت این عمل بیان شده است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «هان! لعنت خدا و فرشتگان و همگی مردم، بر کسی که چیزی از حق مرا پایمال کند و بر کسی که با حیوانی نزدیکی کند و بر کسی که خود ارضائی (استمناء و استشهاد) کند.» (۱۰۸)

و هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «سه کس اند که خداوند در روز قیامت با آنها نه سخن می گوید نه به آنان نگاه می کند و نه پاکشان می‌خواند و عذاب دردناک دارد. کسی که موی سپیده خود را بکند، کسی که خود ارضایی کنند و کسیکه لواط دهد.»(۱۰۹)

امام صادق علیه السلام در رابطه با سئوال استمناء فرمودند:

«گناه بزرگی است که خدای متعال در کتاب خود از آن نهی فرموده است. کنندهی این کار مانند کسی است که با خودش ازدواج کند. اگر بدانم کسی این کار را میکند هرگز با او غذا نمی خورم. سئوال کننده پرسید: یابن رسول الله، در کجای کتاب خدا از این عمل نهی شده است؟ حضرت فرمود: این سخن خداوند که می فرماید: «پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد گذرندگانند» و این عمل از مصادیق «فراتر از این است.» (۱۱۰)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نیز میفرمایند: فردی که با دست خود دفع شهوت کند، ملعون است.»(۱۱۱)

اینها گوشه‌ای از احادیث مربوط به خود ارضایی بود اما اینک بشنوید مطالب مربوط به خود ارضایی و زیان های مرتبط به آن را که در سخنان دانشمندان و پزشکان تراز اول ایران و کشورهای خارجی به آن اشاره شده است.

دکتر هوچین سون مینویسد: نخستین نتیجه عادت به این کار شنیع این است که قوت و شفافیت چشم ها زایل می گردد، صورت رنگ اصلی خود را از دست می دهد و پژمرده می شود، در نگاه های‌مبتلایان بدین کار هوش و ذکاوت اولی دیده نشده حالت گرفتگی در سیمای آنها ظاهر می گردد، چشمهایشان با حلقههای کبود رنگی احاطه می شود. بعد از آن سستی و تنبلی در اعضای مختلف مشاهده می شود. نقصان حافظه، خرابی اشتها، مشکل شدن هضم، تنگی نفس، تغییر اخلاق و مزاج به طور غیر قابل توضیح، حسادت، غم و کدورت، افکار مالیخولیایی، تمایل به گوشه گیری و تنهایی از نتایج شوم ابتلا بـاین انحراف جنسی است.(۱۱۲)

بیماری هایی که گریبان گیر شخص استمناء کننده می شود.

۱- قوای شهوانی را ضعیف میکند واحتمال میرود که از لذات جنسی تا ابد محروم شود.

۲- دچار ضعف روحی و جسمی خواهد شد.

۳- حس شنوایی را تا حدی از کار می اندازد.

۴- بی حال و ترسو بار می آید.

۵- شهامت و درستی را از دست می دهد.

۶- دید چشم را ضعیف می کند.

۷- خون انسان را کم می کند.

۸- بدن انسان لاغر می شود.

۹- موجب بد خلقی می شود.

۱۰- رنگ صورت زرد می گردد.

۱۱- قوای حافظه را مختل می کند .

۱۲- استخوان را نحیف می نماید.

۱۳- گاهی موجب فلج شدن می شود.

۱۴- غذای خورده شده بدون هضم شدن از معده خارج می شود.

۱۵- موجب عصبانیت می شود.

۱۶- موجب اختلال حواس می گردد.

۱۷- دم و بازدم به سختی صورت می گیرد.

۱۸- باعث بی اشتهایی می شود.

۱۹- موجب دوران سر می شود.

۲۰- موجب سیاهی رفتن چشم ها و سرگیجه می شود.

۲۱- قوای عضلانی را می کاهد.

۲۲- گاهی موجب جنون می شود.

۲۳- سرعت انزل را کند می کند.

۲۴- موجب عدم نعوظ می شود.

۲۵- اگر این عمل زیاد صورت گیرد، موجب میشود به جای ادرار خون جاری شود.

۲۶- انسان بی اراده می شود.

۲۷- مطالب را به خوبی فرا نمی گیرد.

۲۸- انسان را فراموش کار می کند.

۲۹- باعث می شود که فرد، دوستدار گوشه گیری شود

۳۰- خوابش آشفته و ناراحت کننده است.

۳۱- جهاز هاضمهاش دچار اختلال میگردد.

۳۲- همیشه خسته و خواب آلود به نظر می آید

۳۳- غدد مترشحه داخلی بدن را از کار می اندازد

۳۴- گاهی موجب سیلان منی می شود.

۳۵- در فهم شنیده ها عاجز است.

۳۶- دستگاه گوارش را مختل می کند.

۳۷- لرزش دست ایجاد می کند.

۳۸- عمر انسان را کوتاه می کند.

۳۹- موجب بیماری سل می شود.

۴۰- استفراغ غیر قابل درمان پیدا می کند.

۴۱- ناراحتی قلبی بوجود می آورد.

۴۲- از نظر روحی از زندگی رنج می برد.

۴۳- چشمان او در حالی که از آنهاآب می ریزد، خیره می ماند.

۴۴- موجب سستی کمر می شود.

۴۵- موجب آبله می گردد.

۴۶- ادرار به صورت قطره قطره خارج می شود.

۴۷- شکم درد می آورد.

۴۸- ترسو و بی اراده می شود .(۱۱۳)

اما اینک بشنوید راه های مبارزه با عمل خانمانسوز استمناء و استشهاء

۱- اجتناب از هر گونه تحریک مصنوعی از قبیل دیدن فیلم ها سکسی و خواندن رمانهای عشقی و عکسهای شهوت انگیز

۲- تهیه برنامه فشرده و تمام وقت که مانع از بیکاری شود

۳- توجه به ورزش؛ زیرا ورزش مقدار فراوانی از انرژی های بدنی و فکری را به خود اختصاص می دهد و طبعاً از مسائل دیگر کم می کند.

۴- جانشینی عادتی به جای عادت به خود ارضایی یعنی همان ساعتی که احتمال انجام این عمل می رود، انسان خود را مشغول به کاری کند.

۵- پرهیز مطلق از تنهایی که سبب تحریک قوه شهوت می شود.

۶- ازدواج در نخستین فرصت.

۷- تلقین و تقویت اراده به این معنا که به خود بفهمانیم که قدرت مقابله با این عادت را داریم.

۸- پرهیز از همنشینی با افراد منحرف و مبتلا به این عادت.

۹- تقویت عمومی و رژیم غذایی مناسب، زیرا این عمل از ضعف اعصاب سرچشمه می گیرد.

۱۰- استمداد از نیروی ایمانی و عقاید مذهبی.(۱۱۴)

اینها مطالبی بود که در مورد مضرات استمناء و استشهاء بیان شد اما در آخر بشنوید نامه ای را که یکی از جوانان در مورد ضرر این عمل نوشته است.

«چندی قبل از خیابان ثریای «یزد» می گذشتم، ناگهان چشمم به جوانی افتاد که سن او در حدود ۲۵ سال بود، بدنی بی حس و چشمانی نابینا داشت در حالی که دست او در دست برادر کوچکش بود از خیابان می گذشت. من از چرخ پیاده شدم و از برادرش که با هم آشنا بودیم، پرسدیم این کیست؟ گفت برادرم است. مات و مبهوت انگشت بر دهان گذاشتم. پرسیدم چرا برادرت به این روز افتاده؟ گفت تا ۲۰ سالگی هیچ عیبی نداشت ولی بر اثر اعتیاد به «یکنوع انحراف جنسی» چند سال است که چشمش نابینا شده ... بدبختانه باز دست بردار نیست. تقاضا می کنم هر چه زودتر زیان های این جنایت و راه علاج آن را برای ما جوانان تشریح کنید،

چه کنیم که ما هم آلوده این کارها نشویم؟
این بود نامه ی جوانی دل سوز که طالب راه حلی برای نجات جوانان از این گناه است و ما شناخت گناه و اثراتش را و عذاب های آن را برای فرار از این کار به آنها پیشنهاد می دهیم.

شطرنج عامل اختلال حواس

در قرآن کریم کلمه شطرنج صراحتاً به کار نرفته است، اما به مناسبت‌های مختلف، مفسران با آوردن روایاتی بحث شطرنج را مطرح نموده اند که به آن اشاره می کنیم.

«ای پیغمبر درباره شراب و قمار از تو سئوال می کننـد، بگو در آن ها گناه بزرگی است و منافعی برای مردم در بردارنـد، ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است»(۱۱۵)

هم چنین می فرمایـد: «ای کسانی که ایمان آوردهاید، همانا شـراب و قمار و بت ها و ازلام پلیدند و از عمل شـیطانند، پس از آن ها دوری‌کنید تا رستگار شوید»(۱۱۶)

و درباره ایجاد تفرقه و عـداوت چنین می فرماید: «همانا شـیطان می‌خواهد در میان شـما بوسـیله شـراب و قمار، عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، پس آیا شما از آن دست بر می دارید؟»(۱۱۷)

این چنـد آیه به طور غیر مسـتقیم شـطرنج که یکی از اسـباب قمار می‌باشـد را رد میکنـد و نزدیک شدن به این وسـیله سـرگرمی را گناهی‌بزرگ می شـمرد اما در تفسـیر این چند آیه باید به احادیث اهل بیت رجوع کرد تا معنی قمار و میسر که در آیه به آن اشاره کرده اند را متوجه شویم.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه اول فرمودند: «نرد و شطرنج از میسر و قمار است»(۱۱۸)

هم چنین امام رضا علیه السـلام می فرمایند: «به راستی که شـطرنج و نرد و اربعه عشـر یک نوع از آلات قمار و هر چیزی که بوسـیله آن قمار زده می‌شود، میسر است»(۱۱۹)

در مرحله سوم بشنوید نظر مراجع معظم تقلید را درباره شطرنج، آیا هیچ کدام یک از مراجع این عمل را حلال کرده اند ...؟!

بر خلاف گفته ی مردم هیچ کدام از مراجع معظم تقلید مطلقا شـطرنج را حرام نفرموده اند بلکه با قرار داد دو شـرط اساسی استفاده از آن را جایز دانسته اند.

امام خمینی رحمه الله علیه در جواب سوالی که پرسـیده بودند، حکم بازی های سرگرم کننده ولی بدون شرط بندی مانند شطرنج و تخته نرد و غیره چگونه است؟ جواب فرمودند: بازی با آلات قمار، مطلقاً حرام است.(۱۲۰)

هم چنین در جواب سوالی که پرسـیده بودند: اگر شطرنج، آلت قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد، و چون امروزه تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن اسـتفاده می شود، بازی با آن چه حکمی دارد؟ ایشان فرمودنـد: برفرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد.(۱۲۱)

پس نظر حضـرت امـام خمینی رحمه الله علیه نیز درباره شـطرنج، نظر تأییـدی نیست و آنجا که ایشان می فرماینـد (به فرض این که)

می‌خواهد تفهیم کنند، که تا زمانی که آلت قمار باشد بازی شطرنج حرام است. اما بقیه مراجع نیز نظرشان بر حرمت شطرنج است.

حضرت آیه الله العظمی خوئی رحمه الله علیه در این رابطه مینویسند:

بازی با آلات قمار مثل شطرنج و امثال آن، آلاتی که برای قمار مهیا گردیده، حرام است با شرط بندی، گرفتن پولی که از راه شرط بندی به دست آمده نیز حرام است و شخص برنده مالک آن نمی شود وهم چنین بازی با آن، اگر شرط بندی هم نباشد حرام است.(۱۲۲)

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای درا ین باره نظرشنان این گونه است:

بازی با آلات قمار بدون برد و باخت هم حرام است و بازی شطرنج اگر (در سطح جهانی) آلت قمار نباشد، بدون برد و باخت اشکال ندارد.(۱۲۳)

حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمه الله علیه این گونه به این مسأله اشاره میکنند:

بازی با آلات قمار چه برد و باخت مالی باشد یا بدون آن، جایز نیست و شطرنج تا وقتی که محرز نشود از آلت قمار بودن خارج شده به طوری که در هیچ مجتمعی قمار با آن متعارف نباشد، بازی با آن چه برد و باخت باشد یا بدون آن، جایز نبوده و حرام است.(۱۲۴)

حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله علیه در این باره نظر می‌دهند:

با برد و باخت حرام قطعی است و بدون برد و باخت بر احتیاط شدید حرام است.(۱۲۵)

آیت الله العظمی سیستانی فتوا داده‌اند:

شطرنج مطلقا حرام است و پاسور اگر هم چنان در عرف قمار باشد، بازی با آن بدون برد و باخت بر احتیاط واجب جایز نیست.(۱۲۶)

آیت الله العظمی وحید خراسانی استفتاء داده‌اند:

بازی کردن با آلات قمار مثل شطرنج، نرد، پاسور ... با برد و باخت حرام قطعی است، و بدون برد و باخت بنابر احتیاط واجب جایز نبوده و حرام است.(۱۲۷)

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) فتوا داده‌اند:

بازی با آلات قمار مطلقاً حرام است. (۱۲۸)

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی آورده‌اند:

هر گاه آلات مذکور از آلت قمار خارج شده باشد و در نزد توده مردم محل به عنوان یک وسیله ورزشی یا تفریحی شناخته شود نه ابزار قمار، بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکال ندارد.(۱۲۹)

اما بد نیست بدانید سرگرمی بیهوده یا به اصطلاح ورزش فکری، حتی توسط قهرمانان این رشته مورد انتقاد قرار گرفته است تا جایی که «شانتال شوده دوسیلال» که کارشناس شطرنج و دارای شهرت جهانی می باشد میگوید:

همین قدر کافی است برای اثبات این که شطرنج ورزشی است بسیار خسته کننده، که پس از انتهای حرکت چهلم اگر نتیجه به دست نیامد بازی به تعویض می افتد،چنان که در «ریکیا ویک» اتفاق افتاد. در واقع بیش از پنج ساعت نمی توان بر اعصاب خود مسلط شد و قدرت خود را حفظ کرد.(۱۳۰)

هم چنین وی میگوید: می خواستم همین را بگویم! این خطر واقعی‌شطرنج است، پرداختن به شطرنج سایر منابع ذهنی را از کار می اندازد و دیگر فعالیت های ذهنی بیهوده و پوچ میشود. شطرنج میتواند به مفهوم لغت «پاسکال» اختلال حواس ایجاد کند.(۱۳۱)

جالب است بدانید که شطرنج سبب زیادی حافظه نمیشود و نیازی به هوش و فکر قوی هم ندارد. چرا که «کلیولند» روانشناس

معروف آمریکـایی پس از سـال هـا بررسـی ثـابت کرده است که افراد کـودن و کم هـوش که درسـایر رشـته هـای فکری کمبـود و نارسایی دارند، به خوبی‌می توانند شطرنج بازی کنند و به درجه استادی برسند.(۱۳۲)

اما اینها دلایلی بود جهت اثبات مضـرات شـطرنج و این که اگر دین مبین اسلام میگوید به این عمل نزدیک نشوید به عمق عمل می نگرد نه به ظاهر عمل، و در پایان لازم است به عاقبت کار آلفین نابغه بزرگ جهانی شـطرنج که بر روی مجسـمهای که بر بالای قبر او ساخته شد، جمله «آلکساندر آلفین قهرمان شطرنج جهان» دیده میشود، اشاره کنیم.

او که در ۱۶ سالگی موفق به اخذ درجه استـادی در عرصه شـطرنج گردید در اثر افراط در بازی شـطرنج، خصوصاً بازی های چشم بسته، به ضـعف جسـمانی و خسـتگی بیش از حـد مغز و اعصـاب و روان مبتلا گشت به طوری که به تدریـج بر مشـروبات الکلی و سیگـار متوسل شـد و سـلامت خود را از دست داد. بعـد هم در سال ۱۹۴۶ تنهـا و بـدون دوست در حـالی که حتی پول کافی برای خریـد سـیگار نـداشت از دنیـا رفت و در نقلی دیگر مرگ او در شبی که مشـغول مسابقـات قهرمـانی‌بود، به خـاطر سـکته قلبی بوده است.(۱۳۳)

این است نتیجه بازی شطرنج که بعضی ها آن را برای انسان مفید می‌دانند!!!

سگ بازی عامل انتقال سل و هاری

سـگ که یکی از موارد نجس در احکام دینی ما محسوب میشود به ماننـد خوک دارای مضـرّاتی می باشـد و همنشـینی با آن سـبب دوری‌ملائکه و امراض مختلف میگردد.

امـام صادق علیه السـلام فرمودنـد: «هیـچ کس نیست که سـگی در خانه نگاه دارد، مگر آن که هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می شود.»(۱۳۴)

هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «مکروه است در خانه مرد مسلمان سگ باشد .»(۱۳۵)

و بـاز امام در این باب فرمود: «نگاه مـدار سگ شـکاری را در خانه، مگر آن که میان تو و او دری باشـد که بر روی آن سگ بسـته شود.»(۱۳۶)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز فرمودهاند: «چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید، پناه ببرید به خدا از شرّشیطان رجیم، زیرا آنها می بینند چیزی را که شما نمیبینید.»(۱۳۷)

امام حسین علیه السلام فرمودند: «چون سگ فریاد می کند میگوید، بس است معصیت های خدا برای خواری» (۱۳۸)

هم چنین رسول خـدا صـلی الله علیه وآله وسـلم فرمودنـد: «سگ ها از ضـعیفان اجنّه‌اند هر گاه طعام خوردید و سـگی حاضـر بود یا طعامش بدهید یا دورش کنید که نفس های بد دارند» (۱۳۹)

امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمودند: «جبرئیل گفت یا رسول الله من در خانه ای که سگ در آن باشد، وارد نمی شوم» (۱۴۰)

اینهـا گوشه ای از احادیث مربوط به سگ و نگهـداری از سگ بود که به آن اشاره کردیم اما افسوس که افراد به اصـطلاح متمـدن هیـچ توجهی‌به این احادیث ندارنـد و با سگ ها معاشـرت می کنند، حتی با سگ ها به حمام می روند و زیر یک پتو میخوابند و ...

این در حالتی است که خود دانشمندان غربی هم نشینی با سگ را عامل بیماری های‌مختلف می دانند که بدانها اشاره میشود.

بشنوید مطالب علمی، راجع به همنشینی و همراهی سگ

یکی از اولین بیماری هایی که بواسطه همراهی سگ برای افراد ایجاد میشود، بیماری پوستی است. در این رابطه باید گفت؛ جرب و کچلی‌و سایر امراض پوستی و نیز انواع شپش و پشه در سگ فراوان است، سگ بدن خود را که مملو از انگل است با دهان می لیسد و میکروب های مختلف روی زبانش جمع می شود سپس زبان خود را به کاسه و کوزه، پرده و فرش میزند یا دست ارباب خود را با زبان میلیسد و بدین وسیله میکروب ها را منتقل می کند.(۱۴۱)
هم چنین همنشینی و همراهی با سگ سبب مبتلا شدن افراد به بیماری هایی میشود، این بیماری بر خلاف تصور همه که راه انتقال آن را از طریق گاز گرفتن سگ می دانند از راه تماس بدن(تماس بزاق با زخم و یا مخاط بدن فرد) میباشد،حتی لیسیدن پوست فردی که دچار زخم شده می تواند هاری را منتقل کند. این بیماری در صورت بروز، صد در صد کشنده است زیرا عامل بیماری موجب عفونت مغز شده و فرد را به سرعت از پا در می آورد.(۱۴۲)
بعضی ها گمان میکنند؛ سگی که مبتلا به هاری باشد بسیار وحشی‌است و سگ آرام و تمیز خانه‌شان مبتلا به هاری نمی باشد اما این طور نیست؛ زیرا طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، دانشمندان با مطالعه ۱۰۲ رأس سگ به منظور بررسی ۱۸ نوع بیماری خاص، دریافتند ۵۸ درصد از سگ ها درحالی که به نظر میرسند سالمند، می‌توانند حامل باکتری «کلوستردیوم دیفسیل» باشند و بقیه آنها نیز ناقل عفونت های دیگری شامل «سالمونلا وای کلای» مقاوم به درمان و «پاسترلااس پی پی» هستند.(۱۴۳)
سگ وسیله انتقال بیماری سل و کرم کدوی سگی می باشد، اگر سگی‌در خانه یک نفر مبتلا به سل باشد، برای تمام آن محله، بلکه تمام آن شهر خطرناک است.(۱۴۴)
در باب شدت آلودگی و نجاست سگ باید گفت؛ طبق نظر مراجع معظم تقلید اگر ظرفی بواسطه لیسیدن سگ یا خوردن چیز روان از آن ظرف نجس شود، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد و بعد بنابر احتیاط واجب دو مرتبه در آب کر یا جاری یا با آب قلیل شست، هم چنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنابر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاک مال کرد.
اینها همه نشان دهندهی شدت آلودگی سگ می باشد و آن آفریدگاری که سگ را خلق کرد او نیز دستور به دفع میکروب می دهد و می فرماید: میکروب سگ را فقط خاک پاک، می تواند نابود کند. اما متأسفانه بعضی ها که فریاد داشتن تمدن و فرهنگشان بلند است، خلاف قول خدا و رسول او و قول عقلای عالم با سگ ها همنشین می‌شوند و خود را مبتلا به امراض مختلف میکنند، بیماریهای گوناگون و میکروب های مختلفی که بر خلاف نظر این افراد با آب و مایع شستشو از بین نمیرود و طبق نظر دانشمند فرانسوی تنها چاره نابودی این میکروب، خاک است و باید ظرفی را که سگ از آن غذا خورده است، با خاک آغشته کرد.(۱۴۵)

ریش تراشی و ابتلا به امراض پوستی

تراشیدن ریش که در اسلام از آن منع شده است باعث ابتلا به بیماری‌های فراوانی است؛ طبق احادیث امامیه باید از آن اجتناب کرد که در این قسمت بدانها اشاره میکنیم.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سبیلها را کوتاه کنید و محاسن را بلند بگذارید و خود را شبیه یهود نسازید»(۱۴۶)

هم چنین حضرت باز در این رباطه فرمودند: «مجوسیان ریش‌های خود را می‌زدند و سبیل هایشان را انبوه میگذاشتند، ما سبیلها را می‌زنیم و محاسن را بلند می‌گذاریم و این مطابق با خلقت است»(۱۴۷)

امام صادق علیه السلام میفرمایند: «گرفتن سبیل ها در هر روز جمعه، امان است از خوره»(۱۴۸)

مطالب فوق بخشی از احادیث مربوط به ریش گذاشتن بود اما قبل از بیان نظر دانشمندان در مورد مضرّات ریش تراشی، بشنوید دیدگاه مراجع معظم تقلید در مورد تراشیدن ریش و حکم آن را اخذ کنید.

حضرت امام رحمه الله علیه فرموده اند: ریش تراشیدن خواه با تیغ باشد یا با ماشین، حرام است علی الاحوط و تراشیدن بعض ریش حکم تراشیدن تمام آن را دارد.(۱۴۹)

حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله علیه می فرمایند:

تراشیدن و ازاله موی صورت جایز نیست، چه تمام ریش یا قسمتی از آن باشد.(۱۵۰)

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی فتوا می دهند:

تراشیدن ریش حرام است ولی تراشیدن سبیل اشکال ندارد.(۱۵۱)

حضرت آیت الله العظمی شیرازی فرموده اند:

تراشیدن و ماشین کردن ریش، اگر مانند تراشیدن باشد، حرام است و حکم خدا با مسخره مردم تغییر نمی کند.(۱۵۲)

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی فتوا داده اند:

احتیاط در ترک تراشیدن ریش می باشد. (۱۵۳)

حضرت آیت الله العظمی سیستانی نظرشان در این باره این گونه است:

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به شکل تراشیدن است به احتیاط واجب جایز نیست.(۱۵۴)

حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله علیه) فرموده اند:

تراشیدن ریش بنابر احتیاط واجب جایز نیست.(۱۵۵)

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) میفرمایند:

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد بنابر احتیاط واجب حرام است.(۱۵۶)

حضرت آیت الله العظمی مجلسی نظر داده‌اند:

تراشیدن و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی مظاهری می نویسد:

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد، حرام است.

نظر دانشمند در مورد تراشیدن ریش

هانسد ریش، دانشمند زیبایی شناس آلمانی می گوید:

ریش ها را با تیغ نباید تراشید اما باید آن را شست و پاکیزه نگاهداری کرد.(۱۵۷)

سجعان ماریونی و ویکتور ژرژ متخصص امریکایی می گویند:

ریش داشتن دهان را محافظت می نماید از اعراض و امراض که متوجه به دهان و اطراف آن است و هم نفع می دهد رطوبات زائده را که متوجه به جوانب دهان است و نگهداری می کند از استخوان های‌دندان ها و غده ها که دور دهان است.(۱۵۸)

دکتر رضا خوش منش:

ریش تراشی موجب ابتلاء به امراض پوستی مانند سل جلدی و کورک های صورت و سوداء و زرده زخم و سیفلیس جلدی، و کزاز و جذام می شود. (۱۵۹)

اینها بخشی از نظرات دانشمندان در مورد تراشیدن ریش بود اما در آخر نظر شما را جلب می کنم به روایت حبابه که در منتهی الامال نقل شده است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به آن دو نفر مأموری که از طرف کسری به مدینه آمدند و ریش خود را تراشیده و دارای سبیل بلندی بودند، فرمودند: وای بر شما چه کسی به شما دستور داده این طور کنید؟ گفتند رب ما کسری‌این طور فرمان به ما داد. حضرت فرمودند؛ پروردگار ما به ما دستور داده ریش بگذاریم و شارب را بزنیم.»

هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «سه دسته را خدا نظر رحمت در قیامت به آنها نکند؛ پیری که ریش سفید را بکند، استمناء کننده و لواط دهنده»(۱۶۰)

پس ای عاقل از طریق صحیح خارج نشو و خود را مورد عذاب الهی‌قرار نده!

مواد مخدر عامل نارسایی ریوی

استفاده از مواد مرگبار مخدر که عامل بیماری های فراوان جسمی و روحی می باشد طبق آیات و روایات و نظر عقلای عالم منفور می‌باشد، بر هر مسلمانی واجب است که از استعمال این مواد اجتناب کند چرا که خداوند متعال می فرماید: «خود را با دست خود به هلاکت نیاندازید» (۱۶۱)

بر همگان واضح است که یکی از نمونه های هلاکت، اعتیاد به مواد مخدر می باشد. اعتیادی که سبب بیزاری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از این افراد می شود. چرا که حضرت فرمودند: «زمانی فرا می رسد که امت من چیزی به نام بنگ استعمال می کنند، من از این افراد بیزارم و آنان نیز از من دورند»(۱۶۲)

هم چنین فرمودند: «به یهود و نصاری سلام کنید اما به مصرف کننده بنگ سلام نکنید» (۱۶۳)

و هم چنین باز در این رابطه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند: «کسی که گناه کشیدن بنگ را ناچیز شمارد، کافر است» (۱۶۴)

هم چنین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این باره اشاره می کنند: «هر کس بنگ استعمال کند، چنان است که هفتاد بار کعبه را ویران کند و هفتاد فرشته مقرب را بکشد، و هفتاد پیامبر مرسل را به قتل رساند و هفتاد قرآن را بسوزاند و هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کند و چنین کسی‌از رحمت خدا دورتر است تا شرابخور، ربا خوار، زنا کار و سخن چین»(۱۶۵)

اینها بخشی از روایات مربوط به مواد مخدر بود که بدان اشاره شد اما اینک وقت اشاره کردن به مضرّات این مواد است که از نظر علم روز ثابت شده است .

آسیب های جسمی مواد مخدر

۱- اختلالات گوارشی در معده و روده ها، شامل تهوع و کاهش اشتها، اسهال و استفراغ، ازدیاد قند خون، سرطان مری، زخم معده واثنی عشر، کاهش ترشحات لوزالمعده و سیستم صفراوی و لاغری‌مفرط.

۲- بروز نارسایی ریوی، اختلال تنفسی، تضعیف و توقف تنفس، بروز سرطان ریه، آسم و انسداد راه های تنفسی .(۱۶۶)

۳- انبساط و انقباض غیر طبیعی مردمک، تاری دید، اختلالات عروقی شبکه چشم و کوری زود رس چشم . (۱۶۷)

۴- ابتلا به سرطان مثانه ۸ برابر افراد عادی .(۱۶۸)

۵- انواع بیماری های پوستی

۶- اختلالات کبدی و کلیوی، ایدز، هپاتیت، کزاز، سکته قلبی و اختلاف خواب(۱۶۹)

۷- اختلالات میل جنسی در مرد و زن، انزال خود به خود (۱۷۰)

در آخر باید گفت، طبق آمار رسمی پزشکی قانونی در سال ۱۳۸۱، سه هزار و پانصد نفر و در سال ۱۳۸۲، چهار هزار و پانصد نفر به خاطر استعمال مواد مخدر جان خود را از دست دادند.(۱۷۱)

مسابقه

بسمه تعالی

هدف ما از نشر این کتاب و برپایی مسابقه کتاب خوانی این کتاب، آشنایی افراد به خصوص نسل جوان با دین مبین اسلام و احکام نـاب آن می باشـد. لـذا خواهشـمند است با صـرف وقت، کتاب را کاملاً مطالعه فرماییـد و پس از مطالعه پاسـخ نامه را پرکنیـد و به مراکز تهیه کتاب یا به آدرس خیابان احمد آباد- خیابان شـهید توانا- مسـجد قراول خانه، تحویل یا ارسال نمایید. تاریخ قرعه کشـی ۲۹ شهریور ۱۳۸۸ مصـادف بـا عیـد سـعید فطر همراه با جوایز ارزنـده ای از قبیل سـفر به مشـهد مقـدس، خط موبایل و ده ها جوایز ارزنده دیگر

مکان قرعه کشی: مسجد حبیب ابن مظاهر

جهت اطلاعات بیشتر و دادن هر گونه نظر و پیشنهاد با نویسنده کتاب با شماره ۰۹۱۳۱۶۸۳۶۹۴ (طغیانی) تماس حاصل فرمائید.

۱- طبق آیه قرآن در سوره توبه چه چیز مانع از قبولی انفاقها می‌شود؟

الف)عاق والدین ب) بی میلی به نماز و کراهت در انفاق

ج) دزدی د) شرابخواری

۲- طبق نظر الکسیس کارل، نیایش باعث چه چیزهایی می گردد؟

الف) آسودگی ب) خستگی

ج) شفای دردهایی چون سرطان د) تمسخر دیگران

۳- در سوره بقره روزه داری باعث چه چیزی می شود؟

الف) پرهیزکاری ب) زخم معده

ج) بهشتی شدن د) گرسنگی

۴- قوم یهود به چه طریقی اظهار خضوع می کردند؟

الف) نماز ب) شب زنده داری

ج) روزه داری د) هیچ کدام

۵- منظور از جلباب که در سوره احزاب آمده است، چیست؟

الف) عبایی که از سر تا پا را بگیرد ب) مانتو

ج) پالتو د) روسری

۶- طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نابودی زنان امت در چیست؟

الف) استفاده از زیور آلات و پوشیدن لباس نازک ب) تکبر

ج) فخر فروشی د) حسادت

۷- از ضررهای مهم گوشت خوک تولید مرض .... می‌باشد.

الف)سل ب) سرماخوردگی ج) تریکینوز د)هیچ کدام

۸- تنجیم یعنی چه؟

الف) خبر از آینده ب) خبر از حوادث تکوینی به طور قطع و جزم

ج) خبر از حرکت ستارگان د) خبر از حوادث تکوینی

۹- کدام یک از سوره های قرآنی دلالت بر زیان شراب دارد؟

الف) نساء آیه ۲ ب) آل عمران آیه ۴

ج) بقره آیه ۲۱۹ د) طه آیه ۱۰

۱۰- طبق کلام امیرالمؤمنین علیه السلام از بین رفتن نشاط و درخشندگی‌صورت به خاطر چه گناهی است؟

الف) دزدی ب) نگاه به نامحرم ج) زنا د) عاق والدین

۱۱- طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم موسیقی سبب رویش چه چیزی در دل انسان می شود؟

الف) کفر ب) کینه ج) حسادت د) نفاق

۱۲- طبق سوره بقره آیه ۲۷۸ چه کسانی با خدا و رسولش پیکار می‌کنند؟

الف) دزدان ب) شرابخواران ج) زناکاران د)رباخواران

۱۳- در کدامیک از سوره های قرآن، حفظ چشم ها از حرام بر مردم واجب است؟

الف) نور آیه ۵ ب) بقره آیه ۱۰ ج) طه آیه ۲۰ د) نور آیه ۳۰

۱۴- کم خونی و لاغری، بدخلقی و ضعف چشم و ... از اثرات ابتلای‌به چه گناهی می باشد؟

الف) غیبت ب) تهمت ج) استمناء د) ترک نماز

۱۵- طبق نظر آیت العظمی خامنهای؛ بازی با آلات قمار بدون برد و باخت چه حکمی دارد؟

الف) جایزاست ب) حرام است

ج) احتیاط در ترک است د) مباح است

۱۶- براساس کلام امام صادق علیه السلام مصادیق میسر چه چیزهایی می‌باشد؟

الف) پاسور ب) مار و پله

ج) نرد و شطرنج د) هیچ کدام

۱۷- سگ عامل انتقال چه بیماری هایی می باشد؟

الف) ایدز ب) سل و کرم کدوی سگی ج) جزام د) لاغری

۱۸- تراشیدن ریش و بلند گذاشتن سبیل ها از مرام چه مذهبی‌است؟

الف) مسلمانان ب) یهودیان ج) مجوسیان د) بهائیان

۱۹- رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: به یهود و نصاری سلام کنید اما به .... سلام نکنید؟

الف) قاتل ب) دزد ج) مصرف کننده بنگ د) هیچ کدام

۲۰- طبق آمار رسمی پزشکی قانونی در سال ۱۳۸۱ چند نفر به خاطر مواد مخدر جان خود را از دست داده اند؟

الف) ۳۵۰۰ نفر ب) ۲۰۰۰ نفر ج) ۲۰۰۰۰ نفر د) ۱۰۰۰ نفر

پاسخ نامه سوالات

ردیف الف ب ج د ردیف الف ب ج د

۱ ۱۱

۲ ۱۲

۳ ۱۳

۴ ۱۴

۵ ۱۵

۶ ۱۶

۷ ۱۷

۸ ۱۸

۹ ۱۹

۱۰ ۲۰

نام .... نام خانوادگی.. نام پدر................................ سال تولد

.... شماره شناسنامه.. تلفن ثابت............................. آدرس و کد پستی

....

نام مسجد یا حسینیه...

پاورقی ها

۱) عنکبوت، آیه ۴۵

۲) مدثر، آیه ۴۳

۳) فاطر، آیه ۲۹

۴) بقره، آیه ۸۳ .

۵) توبه، آیه ۵۴ .

۶) کیفر کردار، علامه میلانی، جلد ۲.

۷) کیفر کردار، علامه میلانی، جلد ۲ .

۸) فلسفه احکام، اهتمام، ص ۱۴۰ .

۹) فلسفه احکام، اهتمام، ص ۵۳ .

۱۰) بقره، آیه ۱۸۳

۱۱) توبه، آیه ۱۱۲

۱۲) نهج الفصاحه ص ۳۶۲

۱۳) نهج الفصاحه ،ص ۳۶۲ .

۱۴) نهج الفصاحه ،ص ۳۶۲ .

۱۵) بهشت اخلاق، جلد ۲ ، ص ۷۴۰ .

۱۶) میزان الحکمه، جلد ۷ ، ص ۳۲۱۹ .

۱۷) سفر داوران.

۱۸) طب و بهداشت در اسلام

۱۹) سلامتی و طول عمر در احکام اسلام ص ۱۳۹

۲۰) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۳

۲۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد ۳.

۲۲) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد ۳ .

۲۳) احزاب، آیه ۵۹ .

۲۴) احزاب، آیه ۵۵

۲۵) تفسیر محزن العرفان جلد ۱۰ ص ۲۵۴

۲۶) احزاب، آیه ۳۳.

۲۷) بهشت اخلاق، جلد ۱ ص ۳۸۱ .

۲۸) نهج البلاغه نامه ۳۱، بحارالانوار، ۲۵۲/۱۰۳.

۲۹) حجاب عزت است یا اسارت؟

۳۰) تاریخ تمدن جلد ۱۲ ص ۳۰

۳۱) سه سال در ایران

۳۲) سلامتی و طول عمر در احکام اسلام ص ۱۲۰ .

۳۳) داستانهایی از پوشش و حجاب

۳۴) بقره، آیه ۱۷۳

۳۵) عیون اخبار الرضا.

۳۶) گناهان کبیر ،جلد ۲ ، ص ۲۳۷ .

۳۷) فلسفه احکام اهتمام جلد ۱ ص ۱۳۵

۳۸) بقره، آیه ۱۰۲ .

۳۹) عیون الخبار الرضا

۴۰) وسائل الشیعه

۴۱) سفینه البحارجلد اول ص ۶۰۵

۴۲) وسائل الشیعه

۴۳) گناهان کبیره، جلد ۲ ،ص ۸۳ .

۴۴) خصال .

۴۵) بحارالانوار، جلد ۱۱

۴۶) گناهان کبیره، جلد ۲، ص ۱۰۲.

۴۷) سفینه البحار، جلد ۱، ص ۶۰۵ .

۴۸) مرزهای اعجاز- گناهان کبیره، جلد ۲ .

۴۹) گناهان کبیره(آیت الله دستغیب) ،جلد ۲ ،ص ۱۰۸ .

۵۰) مائده، ۹۰

۵۱) بقره ۹،۲۱

۵۲) کیفر کردار، جلد ۲ ،ص ۳۸ .

۵۳) کیفر کردار، جلد ۲ ،ص ۳۸ .

۵۴) علل الشرایع، جلد ۲ ،ص ۵۲۵ .

۵۵) صد مقاله سلطانی، ص ۳۴ .

۵۶) کتاب اشعیا،ی نبی، آیه ۱۱، باب ۵ .

۵۷) کتاب یوشع نبی، باب ۴ ،آیه ۱۱ .

۵۸) انجیل لوقا،ا باب ۲۱، آیه ۳۴ .

۵۹) بنی اسرائیل، آیه ۳۲ .

۶۰) نور، آیه ۲.

۶۱) علل الشرایع ،جلد ۲، ص ۵۳۷ .

۶۲) علل الشرایع، جلد ۲، ص ۵۳۵ .

۶۳) میزان الحکمه، جلد ۵ ،ص ۲۲۱۳ .

۶۴) مجموعه مقالات، سمینار دیدگاه های اسلام ،ص ۴۶۷ .

۶۵) ایدز تالیف دکتر احمد محود آبادی ،ص ۱۶.

۶۶) رساله چهار مرجع ،ص ۷۳۳ .

۶۷) آموزش فقه فلاح زاده

۶۸) رساله آیت الله العظمی خوئی- ص ۵۲۸

۶۹) لقمان، آیه ۶ .

۷۰) اسراء، آیه ۳۶.

۷۱) حج، آیه ۳۰ .

۷۲) نورالثقلین، جلد ۴ ،ص ۴۱ .

۷۳) بهشت اخلاق ،جلد ۲، ص ۴۷۷ .

۷۴) مستدرک الوسائل، باب ۷۸.

۷۵) بحارالانوار، جلد ۷۹ ،ص ۲۵۰ .

۷۶) استفتاءات ،جلد ۲ ،ص ۶۱۸ .

۷۷) توضیح المسائل، حضرت آیت اله خوئی ،ص ۵۳۵ .

۷۸) توضیح المسائل، حضرت آیت الله صافی ص ۵۸

۷۹) مسائل کثیرالابتلاء ص ۱۱

۸۰) توضیح المسائل ص ۵۹۷

۸۱) رساله چهار مرجع ص ۷۳

۸۲) استفتائات ۱۰۴۶

۸۳) منهاج الصالحین، جلد ۳ .

۸۴) منهاج الصالحین، جلد ۲ .

۸۵) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان ،ص ۱۶۷ .

۸۶) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان ،ص ۱۶۸ .

۸۷) فرهنگ زندگی.

۸۸) اندیشه های مردان بزرگ.

۸۹) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان .

۹۰) Dyingyoung

۹۱) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان .

۹۲) بقره، آیه ۲۷۵ .

۹۳) بقره، آیه ۲۷۸ .

۹۴) نهج الفصاحه، ص ۳۵۳ .

۹۵) میزان الحکمه، جلد ۴ ،ص ۱۹۷۳ .

۹۶) میزان الحکمه ،جلد ۴ ،ص ۱۹۷۳ .

۹۷) اسلام و طب جدید ،ص ۶۶ .

۹۸) تفسیر نمونه ،جلد ۲ ،ص ۳۷۹ .

۹۹) سوره نور ،آیه ۳۰.

۱۰۰) نور، آیه ۳۱ .

۱۰۱) بحارالانوار، جلد ۱۰۴ .

۱۰۲) وسائل الشیعه، ۲۴۶/۱۴.

۱۰۳) نهج الحیاه ،ص ۱۶۰ .

۱۰۴) روزنامه اطلاعات ۱۳ اسفند ۱۳۵۰.

۱۰۵) وسائل الشیعه.

۱۰۶) راهنمای ارتباط زن و مرد ، دختر و پسر ص ۸۹
۱۰۷) وسائل الشیعه
۱۰۸) میزان الحکمه، جلد ۱۲، ص ۵۶۵۳ .
۱۰۹) میزان الحکمه، جلد ۱۲، ص ۵۶۵۳ .
۱۱۰) میزان الحکمه، جلد ۱۲ ،ص ۵۶۵۵ .
۱۱۱) بهشت اخلاق، جلد ۱ ،ص ۳۶۹ .
۱۱۲) مشکلات جنسی جوانان ،ص ۱۴ .
۱۱۳) راهنمای ارتباط زن و مرد، ص ۲۸۳ .
۱۱۴) مشکلات جنسی جوانان، ص ۱۷۰ .
۱۱۵) سوره بقره، آیه ۲۱۹ .
۱۱۶) مائده، آیه ۹۰ .
۱۱۷) مائده ،آیه ۹۱ .
۱۱۸) وسائل الشیعه.
۱۱۹) وسائل الشیعه، بحار الانوار.
۱۲۰) آموزش فقه فلاح زاده به نقل از کتاب استفتاآت.
۱۲۱) استفتاآت جلد ۲ ص ۱۰ .
۱۲۲) منهاج الصالحین، خوئی.
۱۲۳) راز شطرنج ،ص ۱۳۴ .
۱۲۴) مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید.
۱۲۵) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید.
۱۲۶) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید.
۱۲۷) شرط بندی و قمار از نشریه مذهبی نور، ص ۱۳ .
۱۲۸) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع.
۱۲۹) بخشی از مسائل کثیرالابتلاء .
۱۳۰) پاسخ به پرسش های مذهبی.
۱۳۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر.
۱۳۲) آخر بازی ،ص ۲۳۱ .
۱۳۳) راز شطرنج، ص ۹۳ .
۱۳۴) حلیه المتقین، ص ۴۰۵ .
۱۳۵) حلیه المتقین، ص ۴۰۴.
۱۳۶) بحار ،جلد ۶۵ ،ص ۵۳ .
۱۳۷) حلیه المتقین، ص ۴۰۵ .
۱۳۸) حلیه المتقین ،ص ۴۳۳ .

۱۳۹) الکافی، جلد ۳ .

۱۴۰) الکافی ،جلد ۳ .

۱۴۱) اسلام پزشک بی دارو ،جلد ۱ ،ص ۶۱ .

۱۴۲) هفته نامه سلامت شماره ۶۷ ،ص ۶ سال ۱۳۸۵ .

۱۴۳) هفته نامه سلامت شماره ۷۰ .

۱۴۴) اسلام پزشک بی دارو ،جلد ۱ .

۱۴۵) اسلام پزشک بی دارو ،جلد ۶۱ .

۱۴۶) میزان الحکمه، جلد ۱۱ ،ص ۵۳۰۵ .

۱۴۷) میزان الحکمه، جلد ۱۱ ،ص ۵۳۰۳ .

۱۴۸) من لا یحضره الفقیه.

۱۴۹) استفتاآت ،جلد ۲ ،ص ۳۰ .

۱۵۰) رساله چهارم مرجع، ص ۷۲۸ .

۱۵۱) جامع الاحکام، ص ۱۸۳ .

۱۵۲) رساله توضیح المسائل، ص ۵۹۶ .

۱۵۳) رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۵ .

۱۵۴) استفتاء از دفتر معظم له .

۱۵۵) توضیح المسائل.

۱۵۶) توضیح المسائل.

۱۵۷) راهنمای اصلاح ،ص ۱۲ .

۱۵۸) فلسفه احکام ص ۲۲۱

۱۵۹) راهنمای اصلاح

۱۶۰) خصال شیخ صدوق

۱۶۱) بقره ۱۹۵ .

۱۶۲) مستدرک الوسائل.

۱۶۳) میزان الحکمه، جلد ۳ .

۱۶۴) میزان الحکمه، جلد ۳ .

۱۶۵) مستدرک، جلد۱۷ .

۱۶۶) سوغات مرگ ،ص ۷۳ .

۱۶۷) سوغات مرگ، ص ۷۳.

۱۶۸) هجوم خاموش، ص ۱۱۷ .

۱۶۹) هجوم خاموش، ص ۱۱۷.

۱۷۰) سوغات مرگ ص ۷۳

۱۷۱) گلشن لطایف ص ۷۳

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹